

نقش و ضرورت سرمایه‌گذاری در توسعه

پایدار بخش کشاورزی :

روندها ، تجارب جهانی و طرح پیشنهادی

برای سرمایه‌گذاری خارجی در ایران

نویسندگان:

محمد حسین عمادی[□]

فاطمه پاسبان^{□□}

تیرماه ۱۴۰۱

فهرست مطالب

- ۱-مقدمه ۱
- ۲-تعریف سرمایه‌گذاری خارجی و انواع آن ۲
- ۳-ردپای سرمایه‌گذاری خارجی در تئوریهای رشد و توسعه ۳
- ۴- سرمایه‌گذاری خارجی بخش کشاورزی : تجارب جهانی ۵
- ۵-چرایی ضرورت توجه به بسترسازی مناسب برای جذب سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی ایران ۳
- ۶-توصیه ها و برنامه پیشنهادی برای تسهیل و تسریع مدیریت سرمایه گذاری خارجی در بخش کشاورزی ۱۲

۱- مقدمه

سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی مهمترین و موثرترین عنصر برای ارتقا بهره‌وری و راندمان تولید و پایداری بخش کشاورزی است. افزایش سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی فقر و گرسنگی در مناطق روستایی را کاهش داده و ضامن اقتدار و امنیت غذایی کشور می‌باشد. سرمایه‌گذاری کشاورزی نقش کلیدی در برپا شدن فقر و گرسنگی و ایجاد اشتغال و بالانس جمعیت در مناطق شهری و روستایی می‌گردد. به طور کلی سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی توسط کشاورزان یا بخش عمومی باعث افزایش بهره‌وری زمین، دسترسی آسان به مواد غذایی در بازار و کمک به مصرف‌کننده از طریق کاهش قیمت مواد غذایی می‌گردد (آلستون و همکاران، ۲۰۰۰). سرمایه‌گذاری محدود در بخش کشاورزی کشورهای در حال توسعه در ۳۰ سال گذشته منجر به کاهش بهره‌وری و تولید شده است بنحویکه بسیاری معتقدند یکی از دلایل بحران اخیر مواد غذایی کاهش فزاینده سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی و کاهش در بهره‌وری تولید غذا و افزایش قیمت مواد غذایی است. سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی، در بسیاری از کشورهای در حال توسعه با محدودیتها و موانع متعددی برای پر کردن شکاف سرمایه‌گذاری روبرو هستند. شاید مهمترین عامل در رکود سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی، سود دهی محدود آن و عدم انباشت سرمایه در میان کشاورزان و تولیدکنندگان این بخش می‌باشد. کنترل و فشار دولتها بر قیمت مواد غذایی و تلاش آنها برای پایین نگه داشتن مواد غذایی از یکسو و افزایش قیمت نهاده‌های کشاورزی عملاً باعث می‌گردد که فعالیتهای کشاورزی در کشورهای در حال توسعه از سود متناسب با دیگر کسب و کارها برخوردار نبوده و عدم سودآوری باعث عدم انباشت سرمایه و سرمایه‌گذاری از سوی بهره‌برداران و کشاورزان خرد می‌گردد. بازارهای مالی سنتی نیز بدلیل مخاطراتی که بخش کشاورزی با آن روبرو هستند تمایلی چندانی به سرمایه‌گذاری در این بخش ندارند. سیستم‌های مالی و بانکی نوین نیز تمایلی به سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی ندارند و روندوام دهی بانک‌های تجاری به بخش کشاورزی به دلیل سهم پایین، متناسب نیاز برای سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی نیستند. از این رو با توجه به محدودیتهای منابع جایگزین داخلی، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌تواند شکاف سرمایه‌گذاری بخش کشاورزی را در کشورهای در حال توسعه پر کند. سرمایه‌گذاری مستقیم و غیر مستقیم دولتی و همچنین تسهیل سرمایه‌گذاری خارجی به طور بالقوه می‌تواند باعث ایجاد منافع برای کشاورزی کشور میزبان مانند ایجاد اشتغال، انتقال فن‌آوری و دسترسی بهتر به سرمایه و بازارها شود.

در ایران نیز شکاف عرضه و تقاضا در سرمایه‌گذاری بخش کشاورزی قابل ملاحظه است. بخش کشاورزی به دلیل وجود تنگناهای ساختاری و کمبود امکانات مالی اکثر بهره‌برداران، مشکلات مربوط به سرمایه‌گذاری نمود بیشتری داشته است. به رغم اینکه این بخش نقش مهمی در تولید ناخالص داخلی و اشتغال دارد و از طرفی تأمین‌کننده نیازهای ضروری جمعیتی است، ولی رشد سرمایه‌گذاری در آن در دهه‌های گذشته مطلوب نبوده و سهم آن از تشکیل سرمایه در اقتصاد ملی طی پنج سال گذشته (۱۳۹۵ تا ۱۳۹۹) ۳/۴ درصد بوده است. اگر چه اساساً نسبت سرمایه‌گذاری به تولید ناخالص داخلی در دوره مذکور در کل اقتصاد پایین بوده، اما این نسبت در بخش کشاورزی به طور متوسط ۷ درصد بوده است. به عبارت دیگر فقط ۷ درصد از مجموعه ارزش افزوده بخش کشاورزی دوباره به صورت سرمایه‌گذاری به بخش بازگردانده می‌شود. یعنی انباشت سرمایه در بخش پایین است. با توجه به وضعیت موجود و الزام توسعه پایدار بخش کشاورزی که خود نیازمند سرمایه‌گذاری و تأمین پروژه‌ها یا مختلف می‌باشد و با توجه به محدودیتهای منابع مالی کشور، بسترسازی مناسب برای دسترسی به منابع تأمین مالی خارجی که در جهان تجربه شده می‌تواند راهکاری برای سرعت بخشیدن به دستیابی به اهداف توسعه بخش کشاورزی و روستایی باشد.

با توجه به این موضوع این مقاله درصدد است ضمن بیان ضرورت و الزام توجه به جذب سرمایه‌گذاری خارجی، برنامه پیشنهادی برای مدیریت ارتقای سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی را ارائه نماید تا از طریق آن بتوان با ساماندهی، برنامه‌ریزی، کنترل و نظارت و ارزیابی در یک چارچوب تعریف شده، بستر مناسب برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی برای بخش فراهم گردد.

۲- تعریف سرمایه‌گذاری خارجی و انواع آن

سرمایه نقش مهمی در افزایش رشد و توسعه اقتصادی ایفا می‌کند، زیرا این توانایی را دارد که در ترکیب بهینه با نیروی کار و فناوری بخش تولید را به حرکت درآورده با رونق تجارت زمینه‌های بهبود سطح زندگی و رشد اقتصادی را فراهم آورد. فقدان سرمایه یکی از دلایل اصلی توسعه‌نیافتگی بخش کشاورزی بشمار میرود و بهمین دلیل، امروزه بسیاری از کشورهای جهان به واسطه عدم تکافوی منابع داخلی برای سرمایه‌گذاری، تمایل شدیدی به جذب سرمایه‌های خارجی پیدا کرده‌اند. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (با نماد اختصاری FDI) عبارت است از سرمایه‌گذاری یک شرکت یا شخص حقیقی در کشوری دیگر جهت کسب و کارهای تجار و تولیدی. سرمایه‌گذاری خارجی معمولاً به دو طریق، سرمایه‌گذاری سهامی (غیر مستقیم) و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی صورت می‌گیرد. خرید اوراق قرضه و سهام شرکت‌ها در معاملات بورس و قبوض سپرده در بانک‌های خارجی از انواع سرمایه‌گذاری سهامی هستند که در این حالت سرمایه‌گذار خارجی در اداره واحد کسب و کار نقش مستقیم نداشته و مسئولیت مالی نیز متوجه وی نیست. اما سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، نوعی سرمایه‌گذاری است که به منظور کسب سود پایدار در شرکتی مستقر در کشوری غیر از کشور سرمایه‌گذار صورت می‌گیرد و نتیجه آن مدیریت شرکت است. بازگشت سرمایه و منافع حاصله در اینگونه سرمایه‌گذاریها نیز از محل عملکرد اقتصادی طرح مورد سرمایه‌گذاری صورت می‌پذیرد. از نظر آنکتاد^۱، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی عبارت است از سرمایه‌گذاری که متضمن مناسبات بلندمدت بوده و منعکس‌کننده کنترل و نفع مستمر شخصیت حقوقی یا حقیقی مقیم یک کشور در شرکتی واقع در خارج موطن سرمایه‌گذاری باشد. سرمایه‌گذاری مستقیم را می‌توان به کمک این ضابطه که برای کسب منافع پایدار و نیز قدرت لازم در مدیریت بنگاه انجام می‌گیرد، از سرمایه‌گذاری غیرمستقیم باز شناخت. اما خصوصیت بارز سرمایه‌گذاری خارجی آن است که صرفاً یک سرمایه‌گذاری نیست، بلکه انتقال تکنولوژی، تجربیات و مهارت‌های مربوط به مدیریت و بازاریابی و حضور در بازارهای جهانی را نیز به همراه دارد (طیبی و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۰۳).

آنکتاد عوامل تعیین‌کننده سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشور میزبان را به سه گروه طبقه بندی می‌کند: ۱- چارچوب سیاستی برای سرمایه‌گذاری خارجی شامل ثبات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، قوانین ورود و انجام عملیات تولیدی، استانداردهای رفتار با شعب خارجی، سیاست‌های مربوط به وظایف و ساختار بازارها، موافقتنامه‌های بین‌المللی در مورد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، سیاست خصوصی سازی، سیاست‌های تجاری (تعرفه‌ها و موانع غیرتعرفه‌ای) و سیاست مالیاتی. ۲- عوامل تعیین‌کننده اقتصادی که با توجه به انگیزه شرکت‌های چند ملیتی به سه نوع تقسیم می‌شوند: الف) در جستجوی بازار (اندازه بازار و درآمد سرانه، رشد بازار، دسترسی به بازارهای منطقه‌ای و جهانی، ترجیحات مصرف‌کننده ویژه هر کشور، ساختار بازارها)، ب) جستجوی منابع و دارایی (مواد اولیه، نیروی کار غیرماهر ارزان، نیروی کار ماهر، تکنولوژی، ابداع و دیگر دارایی‌های ایجاد شده (مثلاً نام تجاری)، زیر ساخت‌های فیزیکی (بنادر، راه‌ها، برق، ارتباطات راه دور)، ج) جستجوی کارایی (هزینه منابع و دارایی‌های فهرست شده در بند ب، هزینه دیگر نهاده‌ها مانند هزینه‌های حمل و نقل و ارتباطات و هزینه سایر کالاهای واسطه‌ای، عضویت در موافقتنامه‌های یکپارچگی منطقه‌ای که با شبکه همکاری منطقه‌ای ارتباط داشته باشد). ۳- تسهیلات کسب و کار شامل: تشویق سرمایه‌گذاری (شامل ایجاد تصویر خوب، فعالیت‌های مولد سرمایه‌گذاری و خدمات تسهیل سرمایه‌گذاری)، انگیزه‌های سرمایه‌گذاری، هزینه‌های بوروکراسی (مربوط به فساد و کارایی اداری و غیره)، تسهیلات اجتماعی (مدارس دو زبانه، کیفیت زندگی)، خدمات بعد از سرمایه‌گذاری (حیدری و افشاری، ۱۳۹۱: ۱۴۴).

۱ - United Nation Conference on Trade and Development (UNCTAD).

۳- ردهای سرمایه‌گذاری خارجی در تئوریهای رشد و توسعه

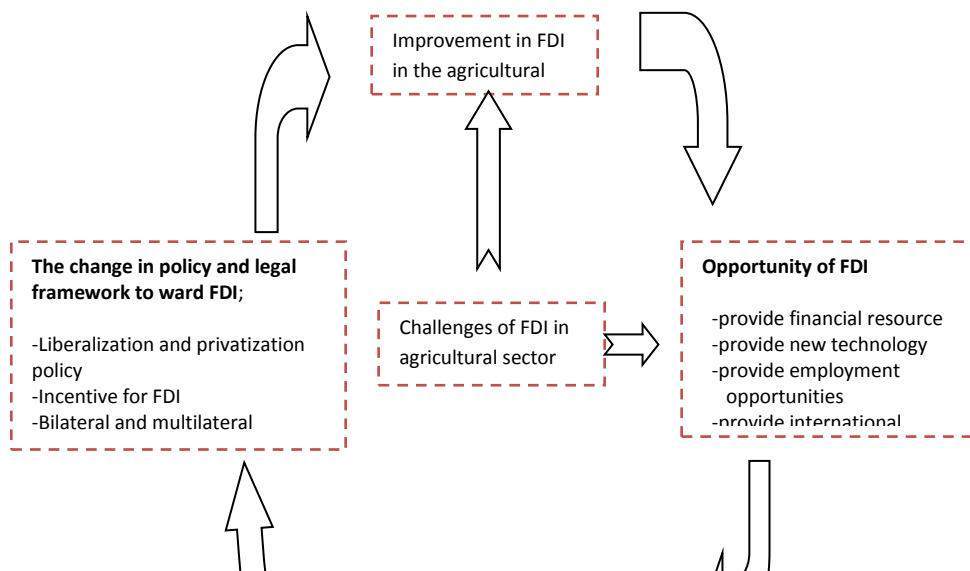
این سوال در ذهن خواننده متبادر می‌شود چرا سرمایه‌گذاری خارجی در توسعه پایدار اقتصاد و بخش کشاورزی مهم است؟ در تمامی توابع تولید، نیروی کار و سرمایه از اساسی‌ترین عوامل تولید می‌باشند. متغیر سرمایه از طریق سرمایه‌گذاری تامین می‌گردد. سرمایه‌گذاری به دو منظور صورت می‌گیرد، ابتدا جهت حفظ سطح سرمایه موجود و سپس به منظور افزایش سطح سرمایه. در صورت بروز هرگونه اختلال در ایجاد و افزایش سطح سرمایه، سطح تولید نیز به خطر می‌افتد و سرمایه‌گذاری (داخلی و خارجی) به عنوان عامل افزایش و نگهداشت سطح سرمایه در این فرآیند نقش بسیار حیاتی دارد. بر همین اساس در تئوری‌های رشد به طور مستقیم و غیرمستقیم به اهمیت سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی اشاره شده است. نظریات رشد به دو دسته تقسیم می‌شوند: نظریات رشد برون‌زا و درون‌زا. نظریه رشد برون‌زا فرض می‌کند رونق اقتصادی عمدتاً توسط عوامل خارجی تعیین شده و عوامل داخلی نقشی در ایجاد آن ندارند. بر اساس این نظریه، با در نظر گرفتن یک میزان ثابت از نیروی کار و فناوری ایستا، رشد اقتصادی تعیین می‌شود. با توجه به مشکل اساسی الگوهای رشد برون‌زا (نئوکلاسیکی) که در تبیین اساسی‌ترین واقعیت‌های رفتار رشد عاجز بوده در پاسخ به کاستی‌های الگوی رشد برون‌زا، الگوهای رشد درون‌زا مطرح شده است. نظریه رشد درون‌زا بر آن است که رشد اقتصادی به علت نیروهای درونی اقتصاد و نه عوامل بیرونی رخ می‌دهد. براساس این نظریه سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی، نوآوری و دانش اثر قابل توجهی در رشد اقتصادی دارد. این نظریه با تمرکز بر اثرات جانبی مثبت و اثرات سرریز حاصل از یک اقتصاد دانش بنیان به دنبال توسعه اقتصادی است. نظریه رشد درون‌زا در درجه اول ادعا می‌کند که در بلندمدت نرخ رشد اقتصاد بستگی به سیاستهای تشویق تولید علم دارد. برای مثال یارانه برای تحقیق و توسعه و یا آموزش و پرورش موجب افزایش نرخ رشد در برخی از مدل‌های رشد درون‌زا می‌شود چرا که انگیزه‌های برای نوآوری ایجاد می‌کند. نظریات رشد درون‌زا، باعث مطرح شدن تأثیر عواملی چون سرمایه انسانی، تحقیق و توسعه^۱، فناوری اطلاعات و ارتباطات و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی^۲ بر جزء باقی مانده رشد به صورت درون‌زا مدل سازی شدند (امینی و حجازی آزاد، ۱۳۸۷: ۵). پس از دهه ۱۹۸۰، تحولات چشمگیری در حجم تجارت، جریان‌های مالی و سرمایه بین‌الملل و جریان‌های انتقال اطلاعات و دانش در سطح جهان به وجود آمده است. به طور کلی، این تحولات ناشی از سه عامل اصلی ذیل بوده است: ۱. تحول در فناوری حمل و نقل و ارتباطات راه دور و فنون تولید، ۲. تحول در سیاست تجاری کشورهای جهان، ۳. فعالیت شرکت‌های فراملیتی که به دنبال بهره‌گیری از فرصت‌های به وجود آمده از طریق تحولات فناوری و تحول در سیاست دولت‌ها، کوشش کرده‌اند شبکه تولید و توزیع جهانی خود را در کشورهای میزبان مستقر ساخته و از این راه به مزیت رقابتی و حاشیه سود بالاتر دست یابند. کشورهای در حال توسعه نیز با توجه به روند جهانی شدن و محوریت تجارت در فرآیند رشد و توسعه، برای رفع معضلات اقتصادی خود که از کمبود سرمایه ناشی شده است، از ورود این سرمایه‌ها استقبال کرده‌اند. بسیاری از مطالعات جهانی نشان می‌دهد که ورود سرمایه‌گذاری خارجی غیرمستقیم بر کشور میزبان از مجاری مختلف تأثیر مثبت می‌گذارد. این مجاری عبارتند از: تأمین سرمایه، انتقال فناوری، انتقال مهارت مدیریت و ارتقای توان نیروی کار، دسترسی به شبکه توزیع بین‌المللی شرکت‌های فراملیتی و تسهیل ورود به بازار جهانی برای کشور میزبان، برانگیختن رقابت بین‌بنگای ههای اقتصادی کشور میزبان، اثربراشتغال و سطح دستمزدها و تقویت پیوندهای بین صنایع. به زعم مخالفان سرمایه‌گذاری خارجی، ورود سرمایه‌گذاری خارجی انتقال فناوری را به دنبال نداشته و باعث عدم ارتباط با صنایع داخلی و انجام خریدهای بین‌المللی، از صحنه خارج کردن بنگاه‌های داخلی، محروم کردن بنگاه‌های محلی از بهره‌گیری از منابع محدود داخلی، تخریب محیط زیست، قیمت‌گذاری تصنعی به منظور خارج کردن سود خود از کشور میزبان، ایجاد اختلال در بازار کار از طریق پرداخت دستمزدهای بالاتر به نیروی کار و اختلال در فعالیت‌های بومی و محلی که نرخهای بیکاری را افزایش می‌دهند. به

^۱ - Research and Development.

^۲ - Foreign Direct Investment.

رغم استدلال‌های گروه اخیر، بیشتر پژوهش‌های کاربردی بیانگر تأثیر مثبت سرمایه‌گذاری خارجی بر کشورهای میزبان است. از جمله می‌توان به مطالعه اسحاق تانسن (۲۰۰۳) اشاره کرده که در دو دوره زمانی ۱۹۷۰ تا ۱۹۹۰ و ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۹ برای کشورهای درحال توسعه اثبات شده که سرمایه‌گذاری خارجی اثر مثبت بر رشد اقتصادی آن کشورها داشته است. لورا آلفارو (۲۰۰۷) برای سالهای ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۳ به این نتیجه رسیدند که سرمایه‌گذاری خارجی اثر قوی بر رشد اقتصادی با کشورهای با ساختار متوسط مالی دارد (Moosa, ۲۰۰۲, pp ۶۸-۹۸).

مطالعات متعددی حاکی از آن است که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر بخش کشاورزی آثار مثبتی داشته است. به عنوان نمونه می‌توان به مطالعه الی‌باریک (۲۰۰۷) اشاره نمود. نتایج مطالعه او نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری خارجی در بخش کشاورزی کشور تانزانیا باعث ایجاد فرصت‌های شغلی شده که هم فقر روستایی و هم شهری را کاهش داده است. در یک جمع‌بندی کلی می‌توان آثار و فرصتهایی که سرمایه‌گذاری خارجی برای بخش کشاورزی به ارمغان دارد را به شرح شکل (۱) ارائه نمود. آثار و پیامدهایی از قبیل بهبود بهره‌وری، افزایش تولید محصولات کشاورزی و صادرات کل، تغییرات ساختاری و بهبود رقابت در بازار اشاره نمود. در مقابل فرصتهایی هم سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی برای کشور میزبان فراهم می‌سازد که می‌توان به فراهم سازی منابع مالی، فناوری‌های جدید، فرصت‌های شغلی و دسترسی به بازارهای جهانی اشاره نمود.



شکل ۱: پیامدها و فرصت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در بخش کشاورزی

۴- تجارب جهانی در سرمایه‌گذاری خارجی بخش کشاورزی:

مطالعات جهانی نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی اثرات قابل ملاحظه‌ای بر روی متغیرهای کلان اقتصادی از جمله کاهش نرخ بهره، کاهش نرخ ارز، افزایش رشد اقتصادی، افزایش درآمد مالیاتی دولت، کاهش بدهی دولت، بهبود توزیع درآمد، انتقال تکنولوژی، افزایش اشتغال، توسعه صادرات، کاهش واردات و تاثیر مثبت در تراز پرداخت‌ها دارد. سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی یکی از موثرترین راهکارها برای کاهش گرسنگی و فقر، به ویژه در مناطق روستایی است. تجربه بسیاری از کشورها نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری مداوم و پایدار در بخش کشاورزی باعث کاهش فقر و گرسنگی در جهان شده است. از این رو فائو با همکاری دولت‌ها، بخش خصوصی، سازمان‌های ملی و بین‌المللی و موسسات مالی به دنبال افزایش حجم و اثربخشی سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی و توسعه روستایی می‌باشد. در این میان شرط لازم برای رشد کشاورزی یعنی سرمایه‌گذاری در بسیاری از کشورها در دهه‌های اخیر راکد یا کاهش یافته است، به ویژه در کشورهای جنوب صحرای آفریقا و جنوب آسیا، که در این کشورها گرسنگی نیز شایع است. فائو تخمین می‌زند برای تامین مواد غذایی تقاضای رو به رشد و جمعیت ۹ میلیارد نفری سال ۲۰۵۰ به بیش از ۸۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری هر ساله در بخش کشاورزی نیاز است. امروزه سرمایه‌گذاران به دلیل قیمت‌های جهانی مواد غذایی که رو به رشد است، مشتاق سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی بوده و به دنبال فرصت‌های سرمایه‌گذاری در کشورهای در حال توسعه بویژه در کشورهایی که منابع طبیعی فراوانی دارند، هستند. از این رو جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) در کشورهای در حال توسعه بین سالهای ۲۰۰۶ تا ۲۰۰۸ دو برابر شده است. عمده سرمایه‌گذاری خارجی به سمت فعالیتهای فرآوری و توزیع و کمتر از ۱۰ درصد به تولید محصولات اولیه کشاورزی اختصاص یافته است. از لحاظ مقصد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، آفریقا مهمترین منطقه برای سرمایه‌گذاری خارجی بوده است. از ۷۵۴ پروژه سرمایه‌گذاری خارجی در خصوص زمین کشاورزی در حدود ۵۶,۲ میلیون هکتار در آفریقا، ۱۷,۷ میلیون هکتار در آسیا و ۷ میلیون هکتار در آمریکای لاتین است (Anseeuw و همکاران ۲۰۱۲). تجارب کشورهای جهان حاکی از آن است که برای توسعه پایدار بخش کشاورزی و حل مشکلات بخش رویکرد توجه به سرمایه‌گذاری خارجی اتخاذ شده است.

کشور قزاقستان طی دهه گذشته رشد بالای تولید ناخالص داخلی را تجربه نموده است که این رشد بیشتر تحت تاثیر عملکرد بخش منابع طبیعی و فعالیتهای مرتبط با آن و سرمایه‌گذاری متمرکز در صنایع معدنی و هیدروکربنی بوده است. این در حالی است که جریان ورودی سرمایه‌گذاری خارجی مستقیم (FDI) به قزاقستان قابل توجه بوده و رشد فزاینده‌ای داشته است به طوری که در سال ۲۰۱۱ میزان آن در حدود ۱۹,۹ میلیارد دلار بوده و در طی دوره ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۱ در حدود ۲۰ درصد رشد سالانه داشته است. این جریان ورودی بالای سرمایه‌گذاری در کشور قزاقستان به دلیل شرایط کشور قزاقستان و نوع نگاه و نگرش دولتمردان این کشور به موضوع سرمایه‌گذاری خارجی بوده است. اطلاعات نشان می‌دهد که انگیزه و علاقه شدیدی برای سرمایه‌گذاران خارجی در بخش کشاورزی قزاقستان وجود دارد. دلایل جذابیت بخش کشاورزی برای سرمایه‌گذاران عبارتست از:

(۱) افزایش تقاضای جهانی برای محصولات غذایی و علوفه.

(۲) مبلغ کم اجاره زمین در قزاقستان؛

(۳) توسعه زیر ساخت های حمل و نقل در قزاقستان و منطقه.

از طرف دیگر یکی از اهداف بلندمدت استراتژیک دولت قزاقستان، کاهش وابستگی اقتصاد به منابع طبیعی و افزایش تنوع فعالیتهای اقتصادی است که در نتیجه آن تولید ناخالص داخلی و اشتغال افزایش یابد و این مهم از طریق تشویق و جذب سرمایه‌گذاری خارجی طراحی شده است. دولت قزاقستان هم از طریق بهبود محیط کلی سرمایه‌گذاری و هم از طریق سیاستهایی که فعالیتهای خاصی را رشد و توسعه داده و حمایت می‌کند، باعث افزایش جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی شده است. یکی از بخشهای مورد توجه برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی فعالیتهای مرتبط با زنجیره عرضه محصولات کشاورزی است. برای این منظور در قزاقستان پنج گام برای تشویق و جذب سرمایه‌گذاری خارجی برداشته شده است: (۱) در زنجیره کسب و کارهای کشاورزی، فرآوری و خرده‌فروشی مواد غذایی به عنوان پایلوت برای طراحی و آزمایش، رویکرد بخشی برای ترویج سرمایه‌گذاری انتخاب شدند. به عبارتی در ابتدا امکان سنجی برای انتخاب کسب و کارهای کشاورزی برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی صورت گرفته و هدفمند فعالیتهای مورد نظر، برگزیده شده اند. دولت قزاقستان اولویت سرمایه‌گذاری در تجارت محصولات کشاورزی را به عنوان یک هدف راهبردی در نظر گرفته است. چرا تجارت محصولات کشاورزی به عنوان یکی از اولویت های سرمایه‌گذاری انتخاب شده است؟ به چند دلیل. اول اینکه کشاورزی در این کشور در حدود ۳۰ درصد از نیروی کار را مشغول به کار کرده و رشد تجارت بخش کشاورزی به پایداری و توسعه اشتغال می‌انجامد. دوم اینکه قزاقستان دارای زمین قابل ملاحظه‌ای است (رتبه هفتم در جهان از نظر زمین قابل کشت) برای توسعه کسب و کارهای کشاورزی است. سوم اینکه کسب و کارهای کشاورزی دارای پتانسیل بالایی برای توسعه می‌باشند به این دلیل که رشد تقاضای داخلی و منطقه‌ای برای این محصولات در حال افزایش است و از این رو پتانسیلی برای گسترش فعالیتهای مرتبط به آن را بوجود می‌آورد (به عنوان مثال، کود شیمیایی، حمل و نقل و انبارداری). در میان کسب و کارهای کشاورزی، فرآوری و خرده‌فروشی مواد غذایی، ایجاد ارزش بالایی را می‌نمایند. به طور نمونه، در اکثر کشورهای سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) نسبت میان قیمت مزرعه و قیمت خرده‌فروشی به میزان ۲۲۰٪ تا ۳۴۰٪ برای گوشت و محصولات لبنی و در حدود ۷۲۰٪ برای سبزیجات تازه است. این اعداد نشان می‌دهد که فعالیتهای انجام شده برای محصول از مزرعه تا فروش آن به چه میزان خلق ارزش نموده است. در قزاقستان، فرآوری و خرده‌فروشی مواد غذایی بیش از ۱۲ درصد از تولید ناخالص داخلی را به خود اختصاص داده است. از این رو این فعالیتها به دلایل برشمرده می‌توانند گزینه‌های مناسبی برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی (هم ایجاد انگیزه برای سرمایه‌گذار خارجی و هم خلق ارزش و مزیت برای اقتصاد داخلی) باشند.

تجربه کشور قزاقستان نشان می‌دهد که توسعه و ارتقای سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی نیازمند اصلاحات ساختاری و نهادی در کشور است و دولت به این نکته هم واقف شده و اعتقاد داشته و هم برنامه‌ریزی و سیاستگذاری نموده است. به طوری که در خصوص قوانین و مقررات توسعه و تشویق سرمایه‌گذاری رویکردهای متفاوتی را در نظر گرفته شده و تمام چارچوب‌های قانونی لازم برای سرمایه‌گذاری در قزاقستان ایجاد شده‌اند. در سال ۲۰۰۳، قانون «سرمایه‌گذاری» به تصویب

رسید، که در برگیرنده‌ی چارچوب‌های حقوقی و اقتصادی برای سرمایه‌گذاری خارجی است. این قانون حفاظت از حقوق سرمایه‌گذاران و ثبات قراردادهای تضمین و به صورت کاملاً واضح و مشخص ارتباط میان نهادهای دولتی و سرمایه‌گذاران خارجی (سرمایه‌گذاری آزاد، بازگشت سرمایه، آزادی استفاده از سود، حق مالکیت خصوصی از زمین برای شرکت‌های خارجی وغیره) را مشخص می‌کند. در این کشور تمامی چارچوب‌های حقوقی لازم برای حمایت از مالکیت معنوی صورت گرفته است. به همین منظور مؤسسه‌ای برای وضع قانون حفاظت از حقوق مالکیت معنوی ایجاد شده و قوانین لازم برای اطمینان صاحب اثر از حقوق خود (مدنی، جنایی، کدهای اداری، قانون کپی رایت و حقوق مرتبط با آن) به ثبت رسیده است. همچنین این قانون امکانات لازم برای حمایت از سرمایه‌گذاران، به‌خصوص سرمایه‌گذاری‌هایی که در اولویت هستند را فراهم می‌کند به طوری که معافیت از حقوق گمرکی برای تجهیزات و قطعات وارداتی مربوط به سرمایه‌گذاری در پروژه‌ی مورد نظر و ارائه‌ی کمک‌ها و گارانتی‌های دولتی (از زمین، ساختمان، سازه، ماشین‌آلات، تجهیزات رایانه‌ای، اندازه‌گیری و دستگاه‌های کنترل، وسایل حمل‌ونقل به استثنای موتورهای خودرو سواری، تجهیزات صنعتی و خانگی) از جمله این حمایت‌هاست. قانون مناطق ویژه اقتصادی قزاقستان (۲۰۱۱ با اصلاحات آن در سال ۲۰۱۲) از جمله قوانین دیگر تشویق سرمایه‌گذاری خارجی است. برآیند این اصلاحات ساختاری و نهادی افزایش جذب سرمایه‌گذاری خارجی در این کشور بوده است و توانسته است محدودیت سرمایه و تامین مالی داخلی را برای دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی این کشور را کاهش دهد. آمار نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در قزاقستان در سه ماهه دوم سال ۲۰۱۶ به رقم ۴۹۵۶,۴۸ میلیون دلار بالغ شده است. میانگین سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در قزاقستان طی دوره ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۶ در حدود ۴۰۸۴,۳۳ میلیون دلار بوده که بیشترین میزان آن در سه ماهه اول سال ۲۰۱۲ با رقم ۸۲۰۶,۱۱ میلیون دلار اتفاق افتاده و طی دوره رکوردار بوده و کمترین مقدار هم در سه ماهه اول سال ۲۰۰۱ با رقم ۸۶۴,۳۲ میلیون دلار اتفاق افتاده است. بر اساس اطلاعات بانک جهانی، میانگین سهم سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از تولید ناخالص داخلی قزاقستان طی دوره ۱۹۹۲ تا ۲۰۱۵ در حدود ۷,۰۶ درصد بوده که کمترین مقدار مربوط به سال ۱۹۹۲ در حدود ۰,۴ درصد و بیشترین مقدار مربوط به سال ۲۰۰۴ با ۱۳,۰۱ درصد بوده است. آمار نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری خارجی نقش مهمی در اقتصاد این کشور دارد. همچنین اطلاعات نشان می‌دهد که طی دوره ۲۰۰۴-۲۰۱۳ قزاقستان در حدود ۱۹۲ میلیارد تنگه (واحد پول قزاقستان، *tenge*) سرمایه‌گذاری خارجی را جذب نموده است. که در سال ۲۰۱۳ سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به طور کلی بیش از ۲۴ میلیارد تنگه بوده است. بخش کشاورزی (از جمله شیلات، شکار و جنگلداری) در حدود ۵,۶ میلیون تنگه و صنایع فرآوری غذایی در حدود ۳۳۸,۹ میلیون تنگه از سرمایه‌گذاری خارجی را در سال ۲۰۱۳ از آن خود نموده اند. در طول ۵ سال گذشته، حجم سالانه سرمایه‌گذاری (داخلی و خارجی) در بخش کشاورزی تقریباً دو دفعه افزایش یافته است. یکبار در سال ۲۰۰۹ که به رقم ۷۷ میلیارد تنگه رسیده (در این سال ۵,۶ میلیون تنگه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بوده است) بار دوم در سال ۲۰۱۳ بوده که در حدود ۱۴۲ میلیارد تنگه (در این سال ۵,۶ میلیون تنگه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بوده است) است. سهم سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی از کل سرمایه‌گذاری در اقتصاد جمهوری قزاقستان برای ۵ سال گذشته به ترتیب برابر ۱,۶٪ و ۲,۳٪ در سال ۲۰۰۹ و ۲۰۱۳ بوده است. این در حالی است که سهم بخش کشاورزی از تولید ناخالص داخلی کشور در حدود ۵ درصد است. بنابراین با مقایسه این ارقام می‌توان دریافت که جذابیت بخش کشاورزی برای سرمایه‌گذاری در مقایسه با صنایع دیگر در طول سال افزایش یافته است. دولت به منظور تشویق سرمایه‌گذاری برنامه‌ای تحت عنوان "سرمایه‌گذاری ۲۰۲۰" تدوین نموده که شامل اقدامات تشویقی برای سرمایه‌گذاری با استفاده از ساده‌سازی و روان‌سازی فرآیند دریافت کمک هزینه سرمایه‌گذاری، ارائه شرایط منحصر به فرد برای سرمایه‌گذاران بزرگ و کمک به سرمایه‌گذاران از طریق کمیسیون دایمی کاری است.

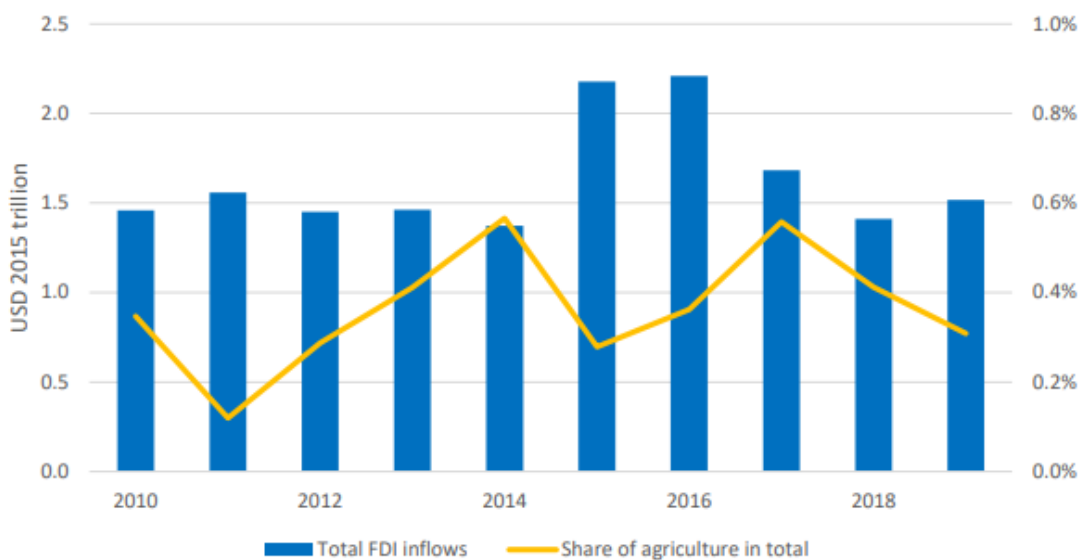
در کشور چین هم سرمایه‌گذاری خارجی نقش مهمی در تامین مالی برنامه‌های توسعه بخش کشاورزی آن داشته است. در پایان سال ۲۰۰۵، میزان سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی چین بیش از ۳۲,۹ میلیارد دلار آمریکا بوده است. چین از سرمایه‌گذاری خارجی برای جبران کمبود داخلی نهادهای کشاورزی، ورود فن‌آوری‌های خارجی پیشرفته و تجهیزات، ارقام مرغوب و انتقال تجربیات مدیریت پیشرفته در عرصه‌های مختلف فعالیتهای کشاورزی استفاده نموده است تا از این طریق

بتواند توسعه کشاورزی و ارتقای صنایع فرآوری را باعث شده و از طرف دیگر ارتقای سطح صنعتی شدن کشاورزی و اصلاحات روستایی و کشاورزی را ترویج دهد. در این میان سرمایه‌گذاری در پروژه‌های ذخیره آب، مدیریت منابع آبی و انتقال فناوریهای جدید برای بهره‌روی بیشتر مصرف آب در کشور چین انجام شده است. از آنجایی که پروژه‌های مدیریت آب در بخش کشاورزی نیازمند سرمایه‌های بالایی است اکثر کشورهای در حال توسعه که با کمبود منابع مالی و سرمایه‌ای مواجه بوده برای اجرای پروژه‌های مختلف مدیریت بهینه مصرف آب، به سرمایه‌گذاری خارجی متوسل شده‌اند که جذب سرمایه‌گذاری خارجی با هدایت دولت، قانون‌مداری، تسهیل فرآیندها و تشویق سرمایه‌گذار خارجی و تضمین و امنیت سرمایه آنان صورت گرفته است.

از طرف دیگر تجارب کشورهای جهانی نشان می‌دهد که از سرمایه‌گذاری خارجی برای ارتقای صادرات بخش کشاورزی نیز استفاده شده است. برای توسعه کمی و کیفی صادرات بخش کشاورزی الزاماتی همچون توسعه کمی و کیفی زیرساختهای حمل و نقل، انبارداری و ذخیره‌سازی، استانداردها و کیفیت، برند سازی، بسته‌بندی مناسب، تولید صادرات محور، قیمت رقابتی، صنایع فرآوری، تشکلهای صادراتی قوی و از این قبیل می‌باشد. طبیعتاً دستیابی به این الزامات نیازمند سرمایه‌گذاری بوده و بدون آن نمی‌توان انتظار توسعه و ارتقای صادرات و افزایش سهم در بازار جهانی داشت. تامین بخشی از منابع مالی برای توسعه کمی و کیفی می‌تواند از طرق سرمایه‌گذاری خارجی تامین شود. مروری بر تجربیات جهانی نشان می‌دهد که بسیاری از کشورهای جهان برای توسعه صادرات از سرمایه‌گذاری خارجی استفاده نموده‌اند. برای نمونه می‌توان به کشور تایلند اشاره نمود. اطلاعات نشان می‌دهد در تایلند، به طور میانگین طی دوره ۱۹۷۰ تا ۲۰۰۹ سرمایه‌گذاری خارجی مستقیم در صنایع فرآوری غذایی بیشتر از بخش کشاورزی بوده به طوری که در حدود ۱۱۱،۲۹۵ میلیون دلار برای صنایع فرآوری غذایی بوده که در همین دوره برای بخش کشاورزی در حدود ۸،۱۷۳ میلیون دلار است. سهم صنایع فرآوری غذایی در حدود ۴۵،۲ درصد و بخش کشاورزی در حدود ۰،۴۱ درصد از کل سرمایه‌گذاری خارجی است. در این کشور طی دوره ۱۹۷۰ تا ۲۰۰۹ در حدود ۱۶ پروژه در بخش کشاورزی و تولیدات آن توسط سرمایه‌گذاری خارجی تامین مالی شده که ۱۱،۴ درصد کل پروژه‌ها را شامل شده و در حدود ۲۹۱ میلیارد بات (Baht پول کشور تایلند) را با سهم ۵،۳ درصد از کل را داراست. همچنین اطلاعات نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری خارجی مستقیم در بخش کشاورزی و تولیدات آن به منظور تولیدات صادرات محور در دهه ۱۹۷۰ در حدود ۱۳ پروژه بوده با ۳۱۷،۸ میلیون بات بوده که در دهه ۲۰۰۰ به ۳۲۱ پروژه با ۸۲،۶ میلیارد بات رسیده است. آمار نشان دهنده رشد سریع سرمایه‌گذاری خارجی برای توسعه تولیدات صادرات محور در این کشور است. سرمایه‌گذاری خارجی در این کشور ضمن تولید محصولات کشاورزی که برای صادرات تولید می‌شود، باعث ایجاد درآمد و اشتغال شده است. طی دهه ۲۰۰۰ سرمایه‌گذاری صادرات محور در بخش کشاورزی باعث ایجاد ۸۷ هزار شغل در این کشور شده است. سرمایه‌گذاری خارجی در این کشور بر رشد صادرات تاثیر داشته و سهم شرکتهای خارجی که از طریق سرمایه‌گذاری در این کشور فعالیت نموده‌اند در حدود ۲۱،۸ درصد بوده است ((FAO (2013), TRENDS AND IMPACTS OFFOREIGNINVESTMENT IN DEVELOPING COUNTRY AGRICULTURE

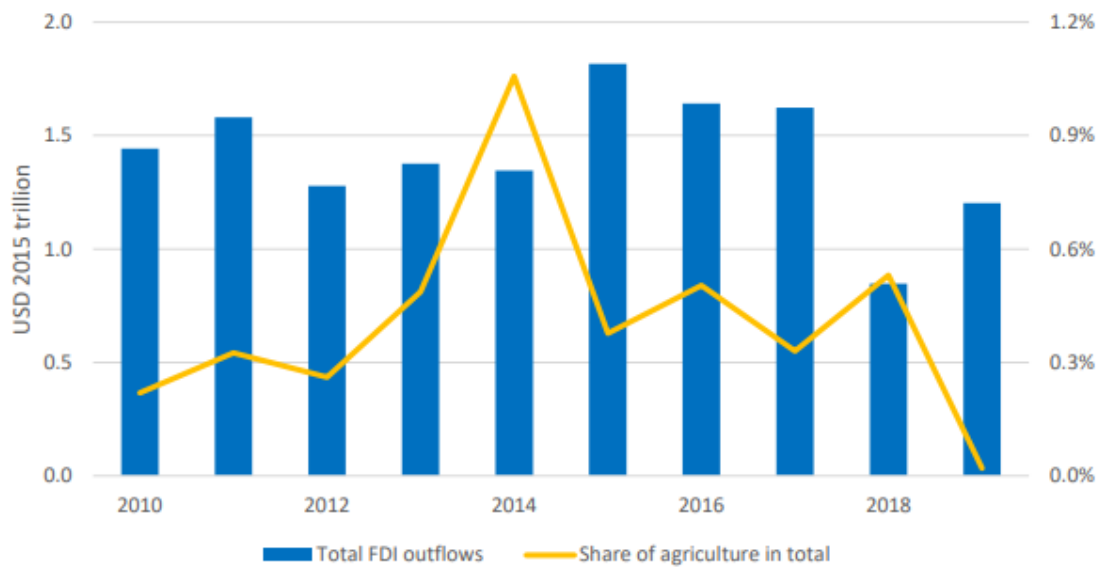
اطلاعات منتشر شده بانک مرکزی ترکیه نشان می‌دهد که مجموع سرمایه‌گذاری خارجی در بخش کشاورزی، دامپروری، ماهیگیری و جنگل ترکیه در سال ۲۰۰۹ در حدود ۴۸ میلیون دلار بوده که این رقم برای سال ۲۰۱۰ به ۸۱، سال ۲۰۱۱ به ۳۲، سال ۲۰۱۲ به ۴۳، سال ۲۰۱۳ به ۴۷، سال ۲۰۱۴ به ۶۱ و آمار مقدماتی سال ۲۰۱۵ به ۳۱ میلیون دلار رسیده است. آمار نشان می‌دهد که کشور ترکیه در جذب سرمایه‌گذاری خارجی برای بخش کشاورزی اقدام نموده است. در سال ۲۰۱۴ در حدود ۵۷۶ شرکت‌های سرمایه‌گذاری خارجی در بخش کشاورزی این کشور وارد شده‌اند. در جریان ورودی سرمایه‌گذاری به کشور ترکیه بیشترین سهم مربوط به کشورهای هلند، اتریش، آمریکا، بلژیک، انگلستان، فرانسه، لوکزامبورگ و آلمان با ۶۶ سهم است. بیشترین سهم در میان این ۸ کشور متعلق به هلند با ۴۹ درصد، انگلستان با ۲۶/۲ درصد، فرانسه با ۹ درصد، ایالات متحده آمریکا با ۷ درصد و ۸،۷ درصد سهم متعلق به چهار کشور، اتریش، بلژیک، لوکزامبورگ و آلمان است. از نظر تعداد شرکت، بیشترین تعداد متعلق به آلمان و هلند است (گزارش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، وزارت اقتصاد، ۲۰۱۴).

بر اساس گزارش فائو در سال ۲۰۲۰، روند سهم بخش کشاورزی از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی جهان طی دوره ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۸ متغیر بوده و کشاورزی سهم کمی از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در جهان را در مقایسه با سایر بخش‌های اقتصادی به خود اختصاص داده است. به طوری که این بخش کمتر از یک درصد از کل ورودی‌های سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را بین سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۹ را از آن خود کرده و سهم آن در کل خروجی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بین سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۹ نیز کمتر از یک درصد بوده است. به جز در سال ۲۰۱۴ که به ۱/۱ درصد رسیده است. در بخش کشاورزی، جریان ورودی FDI بیشتر با هدف کنترل منابع، با تمرکز بر زمین است. در آفریقا، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی عمدتاً بر برنج، گندم، محصولات روغنی و گلکاری متمرکز است. در آسیا تمرکز بر تولید برنج، گندم، گوشت و مرغ است و در آمریکای جنوبی، تمرکز بر تولید میوه‌ها، نیشکر، گل و سویا است.



Source: FAO. 2022. FAOSTAT: Foreign Direct Investment (FDI). In: FAO. Rome. Cited February 2022. <https://www.fao.org/faostat/en/#data/FDI>

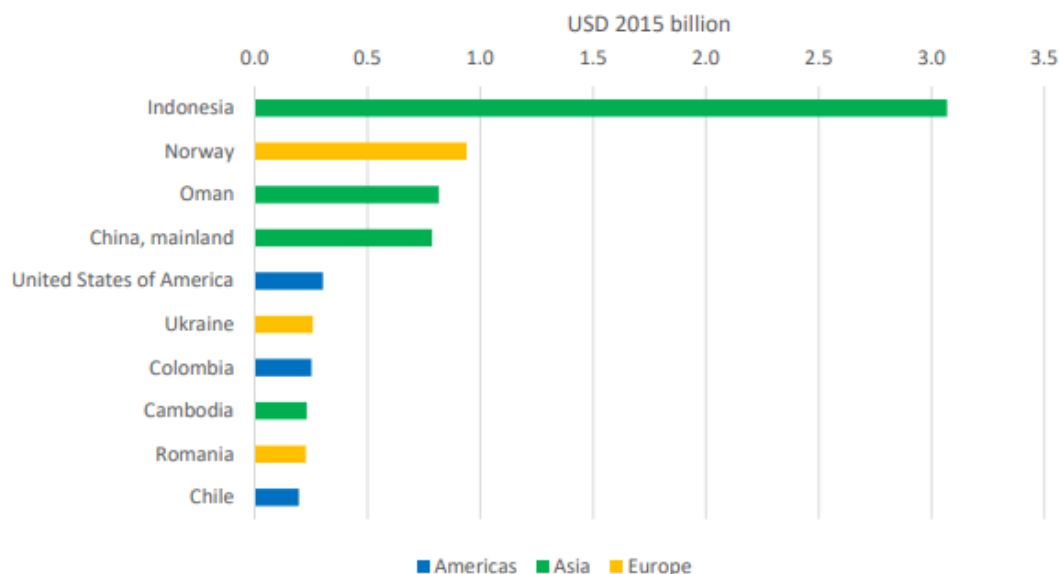
نمودار ۱: جریان ورودی سرمایه‌گذاری خارجی FDI و سهم بخش کشاورزی



Source: FAO. 2022. FAOSTAT: Foreign Direct Investment (FDI). In: FAO. Rome. Cited February 2022. <https://www.fao.org/faostat/en/#data/FDI>

نمودار ۲: جریان خروجی سرمایه‌گذاری خارجی FDI و سهم بخش کشاورزی

همان‌طور که نمودار (۳) نشان می‌دهد اندونزی از سال ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۹ بزرگترین دریافت‌کننده جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به بخش کشاورزی با میانگین ۳٫۱ میلیارد دلار در سال بوده است. پس از آن نروژ با ۹۴۰ میلیون دلار در سال در رتبه دوم و عمان با میانگین ۸۱۶ میلیون دلار در سال در رتبه سوم قرار دارد. موفقیت اندونزی در جذب سرمایه‌گذاری خارجی برای بخش کشاورزی را می‌توان به کاهش مقررات مرتبط است به طوری که به نهادهای خارجی اجازه می‌دهد تا سهام بیشتری در شرکت‌های داخلی داشته باشند به طور نمونه در مورد روغن پالم، نهادهای خارجی می‌توانند مالک ۹۵ درصد شرکت‌های داخلی. آمار تاکید بر این نکته دارد که جذب سرمایه‌گذاری خارجی بر حسب کشور متفاوت بوده و کشورهایی که بستر و فرصت‌های مناسب برای جذب سرمایه‌گذار خارجی داشته، موفق شده سرمایه‌گذاری خارجی بیشتری وارد کشور خود نمایند.



Source: FAO. 2022. FAOSTAT: Foreign Direct Investment (FDI). In: FAO. Rome. Cited February 2022. <https://www.fao.org/faostat/en/#data/FDI>

نمودار ۳: جریان ورودی سالانه FDI به کشاورزی، ۱۰ کشور برتر (متوسط ۲۰۱۵-۲۰۱۹)

۵- چرایی ضرورت توجه به بسترسازی مناسب برای جذب سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی ایران

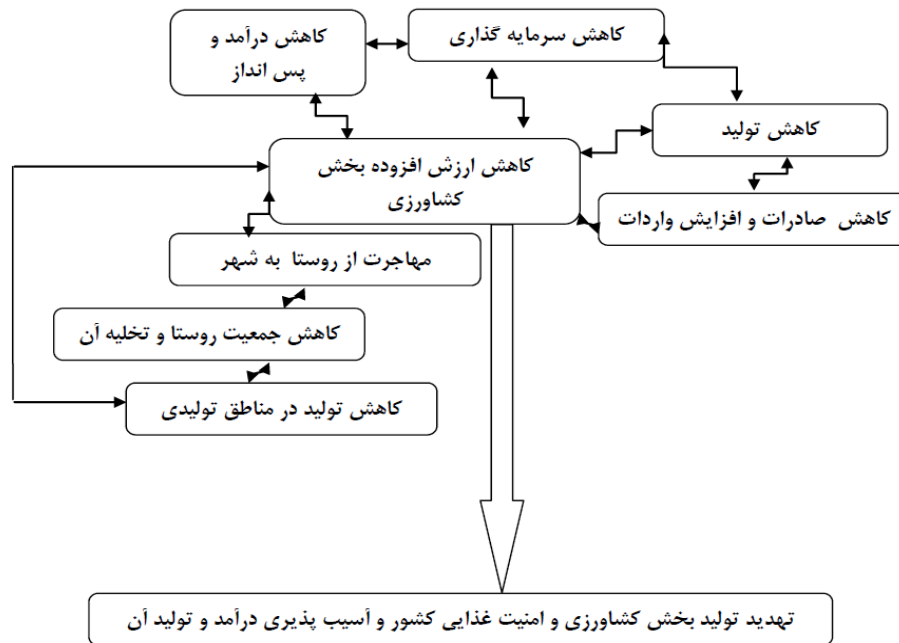
چرایی و فلسفه توجه به بسترسازی مناسب برای جذب سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی ایران را می‌توان در موارد ذیل خلاصه نمود:

۱- روند گذشته ارزش افزوده بخش کشاورزی و الزام ارتقای آن

ارزش افزوده^۱ هر بخش به معنی ارزش ایجاد شده به ازای عوامل تولید آن در اثر فعالیت آن بخش است. ارزش ستانده منهای ارزش مصرف واسطه، ارزش افزوده نامیده می‌شود. ارزش افزوده را می‌توان معیار سنجش مشارکت تولیدکنندگان منفرد، صنعت یا بخش در تولید ناخالص داخلی محسوب نمود. یکی از شاخص‌های مفید به منظور بررسی وضعیت بخش کشاورزی در اقتصاد کشور، ارزش افزوده این بخش می‌باشد. با استفاده از این شاخص می‌توان به توان و قدرت تولیدی این بخش در طی سالهای مورد بررسی پی برد. بررسی تحولات ارزش افزوده بخش کشاورزی به صورت جاری و واقعی می‌تواند قدرت تولید بخش را به تصویر می‌کشاند. طبیعتاً هر چه به مرور زمان قدرت تولیدی بخش کاهش یابد ادامه این روند در بلندمدت خطرات و آسیب‌هایی را به تولید بخش کشاورزی و امنیت غذایی کشور به دنبال خواهد آورد. این خطرات را می‌توان به شرح شکل (۲) برشمرد. مهاجرت و تخلیه روستاها و کانونهای تولیدی، کاهش صادرات و افزایش واردات، کاهش درآمد و قدرت پس‌اندازی و سرمایه‌گذاری و در نهایت کاهش امنیت غذایی جامعه از جمله مهمترین عوامل کاهش تولید و ارزش افزوده در بخش کشاورزی است. توصیه می‌شود به منظور جلوگیری از آثار منفی کاهش تولید، بسترهای مناسب برای توسعه کمی و کیفی تولید

۱- تفاوت بین ارزش ستانده و مصرف واسطه در هر فعالیت اقتصادی را ارزش افزوده ناخالص می‌گویند. پس از کسر مصرف سرمایه ثابت از ارزش افزوده ناخالص، ارزش افزوده خالص به دست می‌آید.

در بخش کشاورزی مهیا شود. آنچه مسلم است این مهم از طریق سرمایه‌گذاری و تامین مالی طرحهای تحقیقاتی، ترویجی، آموزشی و تولیدی و مدیریت فناوری و دانش و اطلاعات و بازار قابل احصا خواهد بود. در این میان یکی از منابع تامین مالی و مدیریت تولید و بازار می‌تواند جذب سرمایه‌گذاری خارجی باشد.



شکل ۲: آثار منفی کاهش تولید در بخش کشاورزی

بر اساس آمار موجود ارزش افزوده بخش کشاورزی به قیمت جاری از رقم ۵۳۷ هزار میلیارد ریال در سال ۱۳۹۱ به رقم ۸۱۸۱ هزار میلیارد ریال در سال ۱۴۰۰ بالغ شده که طی دوره ۱۳۹۱ تا ۱۴۰۰ سالانه میانگین درصد تغییرات آن در حدود ۴۰ درصد نرخ رشد داشته که نشان‌دهنده روند صعودی این متغیر است. میانگین ارزش افزوده بخش کشاورزی به قیمت جاری طی دوره مورد بررسی در حدود ۲۶۳۴ هزار میلیارد ریال بوده است. از سوی دیگر درصد تغییرات ارزش افزوده بخش کشاورزی به قیمت جاری نشان می‌دهد بیشترین تغییرات مثبت مربوط به سال ۱۳۹۲ با رقم ۷۴ درصد و کمترین مقدار مربوط به سال ۱۳۹۴ با رقم ۶/۳ درصد می‌باشد. همان‌طور که ملاحظه می‌گردد در هیچکدام از سالهای مورد بررسی درصد تغییرات ارزش افزوده بخش کشاورزی منفی نبوده است اما از سوی دیگر ملاحظه می‌گردد که این روند رو به رشد دارای نوسانات شدیدی در طول زمان بوده است. نوسانات ارزش افزوده طی دوره بیانگر ناپایداری در روند ایجاد آن بوده که ادامه این نوسانات آسیب‌پذیری تولیدی و درآمدی بخش و امنیت غذایی کشور را به همراه خواهد داشت. آنچه مسلم است مدیریت تولید و ثبات نسبی به آن در زنجیره ارزش محصول امکان‌پذیر بوده که شکل‌گیری و ساماندهی آن مستلزم بکارگیری فناوری، دانش، اطلاعات و مشارکت و نهادسازی لازم است که خود نیازمند تامین مالی و همکاری‌های بین‌المللی است. با توجه به محدودیت منابع مالی و دانشی کشور، اتکا تنها به منابع داخلی مسیر و دوره دستیابی به شاخص‌های توسعه را برای کشور با توجه به شکاف زیاد فناوری، بهره‌وری و دانش با کشورهای دیگر را مشکل و گاهی غیرممکن می‌سازد و از این رو ضرورت به نظر می‌رسد که از منابع خارجی در یک فرآیند معقول و بهینه که منافع ملی کشور و سرمایه‌گذار حفظ گردد، بهره گرفته شود.

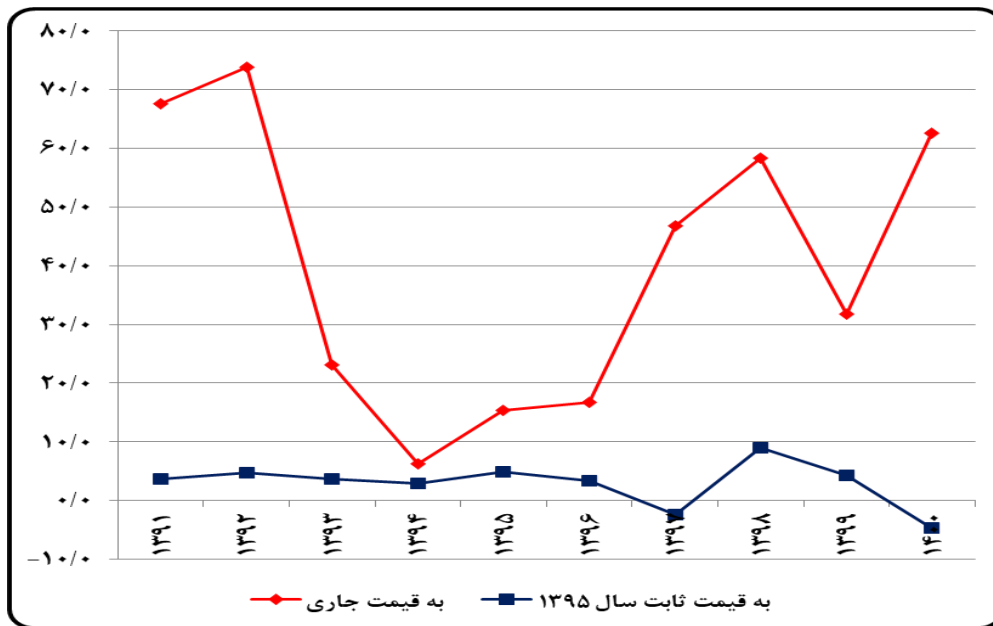
اگر به آمار واقعی ارزش افزوده بخش کشاورزی توجه شود، به دلیل تورم در بخش، آمار تغییر ارزش افزوده واقعی کمتر از جاری است. ارزش افزوده بخش کشاورزی به قیمت ثابت سال ۹۵ از رقم ۱۱۴۴ هزار میلیارد ریال در سال ۱۳۹۱ به رقم ۱۵۴۱ هزار میلیارد ریال در سال ۱۴۰۰ بالغ شده که طی دوره مورد بررسی سالانه در حدود ۳ درصد رشد سالیانه داشته که نشان‌دهنده روند صعودی این متغیر است. این در حالی است که نرخ رشد ارزش افزوده کشاورزی به قیمت جاری ۴۰ درصد بوده که ۳۷

درصد رشد حاکی از افزایش قیمت است نه تولید. میانگین ارزش افزوده بخش کشاورزی به قیمت ثابت طی دوره در حدود ۱۳۹۹ هزار میلیارد ریال بوده است. در سالهای ۱۳۹۷ (۲/۴-) و ۱۴۰۰ (۴/۶-) نرخ رشد بخش کشاورزی به قیمت ثابت منفی شده است. با مقایسه ارقام واقعی و جاری ارزش افزوده بخش کشاورزی ملاحظه می‌گردد میانگین ارزش افزوده جاری در حدود ۱/۹ برابر میانگین ارزش افزوده ثابت است. تفاوت میان ارزش افزوده جاری بخش کشاورزی و قیمت ثابت یکی دیگر از واقعیت‌های بخش کشاورزی است که قابل تامل می‌باشد. به عبارتی افزایش قیمت‌ها باعث کاهش واقعی ارزش افزوده بخش شده و ادامه این روند طبیعتاً کاهش قدرت خرید بخش را به همراه خواهد داشت که تهدیدی برای ایجاد درآمد مطمئن برای بهره‌برداران بخش از یک سو و ناامنی تولید بخش می‌گردد. ارقام نشان می‌دهد که به طور میانگین طی دروه ۳۶ درصد نرخ تورم تولیدی بخش کشاورزی بوده است. به این ترتیب با تداوم رشد تورم در بخش کشاورزی، این امکان وجود دارد که هزینه‌های تولید و قیمت تمام شده محصولات کشاورزی افزایش یافته به این ترتیب عرضه محصولات بخش کاهش یافته و با توجه به ارزان تر بودن محصولات وارداتی کشاورزی، تقاضا برای محصولات داخلی کاهش یافته و در نتیجه تولیدات در بخش کشاورزی مورد تهدید قرار خواهد گرفت. آسیب پذیری بخش کشاورزی از دیدگاه تهدید افزایش قیمت‌ها مقوله‌ای است که لازمست از ابعاد مختلف درآمدی، مزیت رقابتی، صادرات و واردات مورد توجه قرار گیرد تا از این طریق تهدید کاهش تولید بخش و امنیت غذایی کاهش یابد. حال چگونه می‌توان هم ارتقای توسعه کمی و کیفی تولید بخش را داشت و هم تهدیدهای مختلف که از طریق عوامل مختلف بر تولید تاثیر گذار هستند کنترل نمود؟ لاجرم مطابق تجربیات جهانی سمت و سوی برنامه‌های توسعه روستایی و کشاورزی پایدار به سمت ساماندهی و شکل‌گیری کارآمد زنجیره‌های ارزش و عرضه محصولات و مدیریت بهینه آن و توجه به فناوری، ارتقای بهره‌وری، درآمد، دانش و اطلاعات می‌باشد. این مهم از طریق تدوین برنامه و استراتژی و تامین مالی آن امکان پذیر می‌باشد که در این میان سرمایه‌گذاری خارجی می‌تواند یکی از ابزارهای دستیابی به اهداف باشد.

جدول ۱: روند ارزش افزوده بخش کشاورزی و نرخ تورم آن (هزار میلیارد ریال/درصد)

نرخ تورم بخش	شاخص قیمت ضمنی	به قیمت ثابت سال ۱۳۹۵		به قیمت جاری		سال
		درصد تغییرات	میزان	درصد تغییرات	میزان	
۶۱,۷	۴۷	۳,۶	۱,۱۴۴	۶۷,۶	۵۳۷	۱۳۹۱
۶۶,۱	۷۷	۴,۷	۱,۲۰۵	۷۳,۹	۹۳۳	۱۳۹۲
۱۸,۷	۸۸	۳,۷	۱,۳۰۵	۲۳,۲	۱,۱۴۹	۱۳۹۳
۳,۲	۹۱	۳,۰	۱,۳۴۳	۶,۳	۱,۲۲۱	۱۳۹۴
۱۰,۰	۱۰۰	۴,۹	۱,۴۱۰	۱۵,۴	۱,۴۱۰	۱۳۹۵
۱۲,۹	۱۱۳	۳,۴	۱,۴۵۷	۱۶,۷	۱,۶۴۵	۱۳۹۶
۵۰,۳	۱۷۰	۲,۴-	۱,۴۲۳	۴۶,۷	۲,۴۱۳	۱۳۹۷
۴۵,۳	۲۴۷	۸,۹	۱,۵۵۰	۵۸,۳	۳,۸۲۱	۱۳۹۸
۲۶,۴	۳۱۲	۴,۳	۱,۶۱۶	۳۱,۷	۵,۰۳۴	۱۳۹۹
۷۰,۴	۵۳۱	۴,۶-	۱,۵۴۱	۶۲,۵	۸,۱۸۱	۱۴۰۰
۳۶	۱۷۷	۳,۰	۱۳۹۹	۴۰,۲	۲۶۳۴	میانگین

ماخذ: بانک مرکزی ایران، گزارش اقتصادی و نماگرهای، سالهای ۱۳۹۱ تا ۱۴۰۰ و محاسبات تحقیق



نمودار ۴: درصد تغییرات ارزش افزوده بخش کشاورزی به قیمت جاری و ثابت (درصد)

۲- روند گذشته سرمایه‌گذاری بخش کشاورزی و الزام ارتقای آن

سرمایه‌گذاری^۱ به دو منظور صورت می‌گیرد، ابتدا جهت حفظ سطح سرمایه موجود و سپس به منظور افزایش سطح سرمایه. در صورت بروز هرگونه اختلال در ایجاد و افزایش سطح سرمایه، سطح تولید نیز به خطر می‌افتد و سرمایه‌گذاری به عنوان عامل افزایش و نگهداشت سطح سرمایه در این فرآیند نقش بسیار حیاتی دارد. آنچه مسلم است کاهش سرمایه‌گذاری به دنبال خود کاهش تولید را به همراه خواهد داشت که کاهش تولید هم کاهش صادرات و افزایش واردات، کاهش درآمد و پس انداز و تهدید امنیت غذایی را به همراه خواهد آورد. سرمایه‌گذاری به عنوان تنها عامل ایجاد و افزایش میزان موجودی سرمایه مورد توجه می‌باشد. این متغیر زمانی قادر به مشارکت در توسعه بخش کشاورزی خواهد بود که مقدار آن به حدی باشد که علاوه بر جبران استهلاک سالانه و حفظ سطح موجودی سرمایه منجر به افزایش سرمایه در طول زمان گردد. اطلاعات نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری به قیمت جاری بخش کشاورزی از رقم ۸۷ هزار میلیارد ریال در سال ۱۳۹۱ به رقم ۴۳۵ هزار میلیارد ریال در سال ۱۳۹۹ بالغ شده که طی این دوره روند صعودی داشته است (میانگین درصد تغییرات ۲۳/۶ درصد). همان‌طور که ارقام نشان می‌دهد روند تغییرات سرمایه‌گذاری (درصد تغییرات) بخش کشاورزی طی سالهای اخیر روند کاهشی داشته که ادامه این روند در آینده به تضعیف تولید در بخش خواهد انجامید چون سرمایه یکی از ارکان مهم تولید است که کاهش آن طبیعتاً به کاهش، تهدید و آسیب پذیری تولید خواهد انجامید که میزان تاثیر آن بر حسب نوع تولید متفاوت است که انجام تحقیقات کاربردی در این خصوص می‌تواند اثرگذاری آن را بر تولید تعیین نماید (جدول ۲). از سوی دیگر مقدار واقعی سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی کمتر از مقدار جاری آن می‌باشد. سرمایه‌گذاری به قیمت ثابت طی سالهای ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۹ به ترتیب از رقم ۱۶۱ هزار میلیارد ریال به ۱۰۶ هزار میلیارد ریال رسیده است که نشان از روند کاهشی سرمایه‌گذاری به قیمت ثابت است (میانگین درصد تغییرات ۵/۴- درصد). ارقام نشان می‌دهد که

۱- سرمایه‌گذاری عبارتست از: هزینه صرف شده بابت خرید و تعمیرات اساسی تجهیزات و ابزار تولید یا به عبارت دیگر سرمایه‌گذاری ثابت در لوازم کسب و کار، هزینه و صرف شده بابت ایجاد ساختمانهای مسکونی جدید (به استثنای قیمت زمین آن) و تعمیرات اساسی ساختمانهای مسکونی موجود و تغییر در موجودی مواد اولیه و کالاهای نیمه ساخته و ساخته شده در انتهای دوره نسبت به ابتدای دوره.

سرمایه‌گذاری به قیمت ثابت بخش کشاورزی روند کاهنده همراه با نوسانات شدید تجربه کرده است. کاهش سرمایه‌گذاری به قیمت جاری و ثابت در طی دوره مورد بررسی قابل ملاحظه است که این کاهش خود تهدیدی برای کاهش تولید بخش و آسیب پذیری آن از دیدگاه تولید و درآمد است چون با کاهش سرمایه‌گذاری طبیعتاً تولید کاهش و با کاهش تولید، درآمد بخش کاهش و از این رو امنیت غذایی و درآمد مطمئن را برای بهره برداران بخش کشاورزی با خطر مواجه می‌سازد. از سوی دیگر ملاحظه می‌گردد که سرمایه‌گذاری واقعی نه تنها افزایش نداشته بلکه کاهش هم یافته است.

از سوی دیگر سهم سرمایه‌گذاری بخش کشاورزی از سرمایه‌گذاری کل کشور در طول سالهای مورد بررسی روند تقریباً ثابت همراه با روند کاهشی داشته است به طوری که از سال ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۹ از مقدار ۴/۱۶ درصد به ۴/۱۵ درصد بالغ شده که نشان از کاهش سهم دارد. کاهش سهم بخش کشاورزی از سرمایه‌گذاری کل کشور زنگ خطری است برای آسیب پذیری بخش از دیدگاه تولید، درآمد و امنیت غذایی از یک سو و افزایش بهره‌وری در بخش کشاورزی را به دلیل کاهش سرمایه‌گذاری و کاهش استفاده از تکنولوژی و روش های نوین تولید کاهش داده و طبیعتاً بهره‌وری در بخش را به مخاطره خواهد انداخت. واقعیت‌های موجود ضرورت توجه به جذب سرمایه‌گذاری خارجی در بخش کشاورزی را دوچندان می‌سازد.

جدول ۲: روند سرمایه‌گذاری بخش کشاورزی و سهم آن از اقتصاد ملی (هزارمیلیارد ریال/درصد)

سهم از سرمایه‌گذاری کل کشور	به قیمت ثابت سال ۱۳۹۵		به قیمت جاری		سال
	درصد تغییرات	میزان	درصد تغییرات	میزان	
۴,۱۶	۲۴,۴-	۱۶۱	۷,۱-	۸۷	۱۳۹۱
۴,۲۷	۶,۶	۱۷۱	۵۱,۶	۱۳۲	۱۳۹۲
۳,۹۶	۱,۲	۱۷۳	۲۱,۸	۱۶۱	۱۳۹۳
۲,۶۳	۴۱,۶-	۱۰۱	۳۷,۲-	۱۰۱	۱۳۹۴
۲,۸۴	۳,۲	۱۰۴	۳,۴	۱۰۴	۱۳۹۵
۳,۱۱	۱۳,۷	۱۱۹	۳۴,۶	۱۴۱	۱۳۹۶
۲,۹۰	۵,۲	۱۲۵	۴۴,۲	۲۰۳	۱۳۹۷
۳,۹۷	۲۳,۲-	۹۶	۱۵,۴	۲۳۴	۱۳۹۸
۴,۱۵	۱۰,۴	۱۰۶	۸۵,۹	۴۳۵	۱۳۹۹

ماخذ: بانک مرکزی ایران، حسابهای ملی ایران /نماگرهای اقتصادی و محاسبات تحقیق

۳- سهم بخش کشاورزی از جذب سرمایه‌گذاری خارجی

اطلاعات و آمار بسیار محدودی در باره سرمایه‌گذاری خارجی در بخش کشاورزی وجود دارد و همین اطلاعات محدود نشانگر آنست که جذب سرمایه‌گذاری خارجی در بخش کشاورزی نسبت به فعالیتهای دیگر، سهم پایین تری دارد. بر اساس اطلاعات منتشر شده پایگاه اطلاع رسانی دولت در بازه زمانی (۱/۱۰ /۱۳۹۴ لغایت ۱/۱۰ /۱۳۹۵) مجموع ارزش سرمایه‌گذاری‌های خارجی بالغ بر ۱۱ میلیارد و ۸۰۲ میلیون دلار بوده است. طرح های سرمایه‌گذاری خارجی که به تصویب رسیده است عمدتاً در بخش‌های صنعت، نیرو (نیروگاههای تجدیدپذیر)، خدمات (به ویژه گردشگری)، ساختمان و حمل و نقل بوده اند که جزییات آن به شرح جدول شماره (۳) است. همان طور که مشاهده می‌شود بخش کشاورزی در طی دوره مورد نظر ۸ طرح مربوط به کشاورزی با ۵۱۲ میلیون دلار بوده که از نظر تعداد حدود ۷ درصد و از نظر میزان سرمایه در حدود ۴ درصد از کل را شامل می‌شود. اطلاعات نشان می‌دهد آخرین مصوبات شورای اقتصاد حاکی از آن است که سایر بخش‌های اقتصادی

برای توسعه بخش خود از تسهیلات مالی خارجی جهت خرید تجهیزات مورد نیاز برای اجرای پروژه‌های مختلف استفاده نموده و بخش کشاورزی در این خصوص پیشنهادی ارائه نداده است. احداث نیروگاه سیکل ترکیبی زنجان، طرح انتقال نیروی برق زنجان، احداث کارخانه کاغذ سبز خوزستان و احداث سه بیمارستان ۷۴۰ تختخوابی برکت در شهرهای تهران و اهواز با استفاده از تسهیلات مالی خارجی از آن جمله می‌باشد. همان‌طور که مشاهده می‌شود سهم بخش کشاورزی در جذب سرمایه‌گذاری خارجی پایین است و ضرورت توجه به بسترسازی مناسب برای جذب بیشتر سرمایه‌گذاری خارجی در این بخش لازمست.

جدول ۳: آمار سرمایه‌گذاری خارجی مصوب به تفکیک بخش اقتصادی در بازه زمانی (۱/۱۰/۱۳۹۴ لغایت ۱/۱۰/۱۳۹۵)

بخش اقتصادی	تعداد طرح های جدید	حجم سرمایه مصوب کل (میلیون دلار)	سهم تعداد	سهم حجم سرمایه
تامین آب، برق و گاز	۳۵	۸۱۰۵	۳۱/۰	۶۸/۷
حمل و نقل و ارتباطات	۳	۲۵۹	۲/۷	۲/۲
خدمات	۱۷	۱۵۳۲	۱۵/۰	۱۳/۰
ساختمان	۲	۶	۱/۸	۰/۱
صنعت	۴۶	۱۳۶۵	۴۰/۷	۱۱/۶
کشاورزی	۸	۵۱۲	۷/۱	۴/۳
معادن	۲	۱۷	۱/۸	۰/۱
جمع	۱۱۳	۱۱۸۰۲	۱۰۰	۱۰۰

ماخذ: دبیرخانه شورای اطلاع رسانی دولت

۴- نظام ناکارآمد تامین مالی بخش و گرایش توزیع اعتبارات بخش کشاورزی به سمت سرمایه در گردش

بازارهای مالی روستائی به عنوان مهمترین منبع تأمین‌کننده سرمایه مورد نیاز بخش کشاورزی مطرح می‌باشند. در طبقه‌بندی بازار مالی روستائی بر پایه مقررات و ساز و کار حاکم بر بازار معمولاً دو بخش رسمی و غیررسمی در تقابل با یکدیگر قرار می‌گیرند. بخشی از بازار که تحت نظارت دولت بوده و در چارچوب مقررات و سیاست‌های پولی کشور عمل می‌نماید، به عنوان بخش رسمی یا متشکل بازار مالی شناخته می‌شود و بخشی از این بازار که به طور معمول خارج از این ضوابط و مقررات عمل می‌نماید، تحت پوشش بخش غیررسمی قرار می‌گیرد. این دو بازار معمولاً رقیب یکدیگر بوده و توسعه یافتگی و کارائی یکی به منزله اندازه کوچکتر و ناکارآمدی دیگری می‌باشد (قربانی، ۱۳۷۶؛ عرب مازار و خدارحمی، ۱۳۷۸).

در ایران عرضه وجوه در بازار مالی روستائی عمدتاً از محل منابع رسمی بوده، و در حال حاضر بانک کشاورزی به عنوان اصلی‌ترین منبع تأمین سرمایه بخش رسمی این بازار است. بنظر می‌رسد شرایط فعلی بازار مالی روستائی ایران بگونه‌ای است که کشاورزان بزرگ عموماً به اعتبارات رسمی دسترسی مناسبتری داشته و اکثر کشاورزان خرده‌پا که عمدتاً محدودیت سرمایه‌ای بیشتری متوجه آنهاست، از اعتبارات این بخش محروم بوده و به آسانی قادر به دریافت از این منابع نباشند. در نتیجه، کشاورزان کوچک و خرده‌پا برای رفع نیاز سرمایه‌ای خود بیشتر جذب بازارهای غیررسمی اعتبارات شده و به عنوان بازیگران اصلی این بخش مطرح شوند (جهان دوست، ۱۳۷۵؛ رحیمی، ۱۳۷۵؛ عرب مازار و خدارحمی، ۱۳۷۸؛ خزاعی، ۱۳۷۹؛ میر و همکاران، ۱۳۸۳؛ احمدپور برازجانی و حسینی پور، ۱۳۸۶). مطالعات تجربی انجام شده در زمینه اعتبارات بخش کشاورزی و روستائی در ایران نشان دهنده وجود برخی مشکلات و تنگناها در این نظام می‌باشد که دستیابی به نظام کارآمد

اعتبارات را با مشکل مواجه ساخته است. آنچه مسلم است توسعه بخش کشاورزی و دستیابی به رشد متوسط بخش کشاورزی در قانون برنامه ششم توسعه، نیازمند سرمایه‌گذاری و به تبع آن تزریق اعتبار و سرمایه به این بخش با مکانیزمها و ابزارهای پولی و مالی مناسب می‌باشد. به همین دلیل روند سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی مثبت پیش بینی شده است. اما نظام موجود با تنگناها و مشکلات عدیده‌ای روبرو است که لزوم طراحی نظام بهینه تامین مالی داخلی و خارجی را دوچندان می‌سازد. مهمترین مشکلات طرف تقاضا و عرضه نظام تامین مالی بخش کشاورزی و روستایی به شرح ذیل می‌باشد. رفع تمامی این مشکلات و تدوین و اجرای نظام بهینه تامین مالی در بخش کشاورزی مستلزم زمان و نهاد سازی است که در کوتاه مدت به منظور دستیابی به اهداف توسعه بخش کشاورزی و روستایی ضرورت توجه به جذب سرمایه‌گذاری خارجی را دوچندان می‌سازد.

الف) دیدگاه طرف تقاضای اعتبارات

تنگناها و مشکلات	نتیجه و پیامد
کوچکی و پراکندگی واحدهای تولید زراعی مستقل	کاهش درآمد و توان بازپرداخت وام - کاهش دسترسی به اعتبارات
پایین بودن سطح درآمد کشاورزان در واحدهای سنتی و عدم تشکیل پس انداز جهت سرمایه‌گذاری و یا ادامه فعالیت در بخش	افزایش تقاضا برای اعتبار از منابع غیررسمی با نرخ سود بالا و در نتیجه کاهش بیشتر درآمد
وجود تفاوت فاحش بین نرخ سود دریافتی بانکها با منابع غیررسمی	کاهش توان مالی کشاورزان و افزایش هزینه های دریافت وام
عدم دسترسی بخش عمده ای از روستائیان کوچک مقیاس به منابع اعتبارات رسمی	عدم تامین مالی و کاهش تولید و درآمد
بالا بودن هزینه های جانبی دریافت وام	افزایش نرخ سود وامهای بانکی و در نتیجه افزایش هزینه کشاورز
گسترش شبکه های غیررسمی اعتبار در مناطق روستایی	افزایش هزینه های دریافت وام
محدودیت منابع مالی بانک کشاورزی	عدم پاسخگویی کامل به نیازهای اعتباری کشاورزان به وسیله بخش رسمی
بالا بودن ریسک فعالیتهای کشاورزی	نوسان در درآمد و کاهش توانایی مالی در بازپرداخت وام
گریز وام از بخش کشاورزی	کاهش سرمایه گذاری در بخش کشاورزی و در نتیجه کاهش درآمد
کوتاه مدت بودن زمان پرداخت وام منابع رسمی	رجوع به منابع غیررسمی برای پرداخت وام و هزینه های سرمایه گذاری بلندمدت
طولانی بودن فرآیند دریافت وام از منابع رسمی	افزایش هزینه های پنهان وام

ب) دیدگاه طرف عرضه اعتبارات

تنگناها و مشکلات	نتیجه و پیامد
عدم توسعه و شکل گیری سازماندهی اجرایی در بخش اعتباری کشاورزی ایران	کاهش توان عملیات بانکی
عدم تحرک و کارایی سیستم به علت بروکراسی سنتی حاکم بر آن	افزایش هزینه های بانکی و عملیاتی
عدم تجهیز پس اندازها و جمع آوری منابع از درون بخش	کاهش منابع بانکی
تاخیر در پرداخت وامهای مستقیم به علت مسایل اجرایی	کاهش انگیزه دریافت وام از سوی کشاورزان و پس انداز از سوی آنان

نتیجه و پیامد	تنگناها و مشکلات
کاهش توان عملیات بانکی	کمبود نیروی کارشناسی کارآمد بخصوص در تخصصهای مالی و بانکداری در سیستم بانکی کشور
کاهش عملیات بانکی در روستاها	عدم تطابق قوانین و مقررات پیچیده نظام بانکی کشور با فرهنگ روستایی
کاهش سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی	ضعف بازارهای مالی کشور در گسیل سرمایه‌ها به سمت بخش کشاورزی
کاهش عملیات بانکی در روستاها	محدودیت منابع مالی بانک کشاورزی
کاهش عملیات بانکی در روستاها	بالا بودن هزینه‌های اجرایی بانکی کشاورزی در تامین مالی بخش کشاورزی
افزایش ریسک عدم بازپرداخت وامهای بانکی و کاهش منابع مالی	بالا بودن ریسک فعالیتهای کشاورزی

از سوی دیگر اطلاعات تسهیلات پرداختی به تفکیک بخش‌های اقتصادی طی ۱۲ ماهه سال ۱۴۰۰ حاکی از آن است که بیش از ۶۹ درصد تسهیلات پرداختی به بخش کشاورزی برای تامین سرمایه در گردش بوده و تنها ۱۹ درصد تسهیلات برای ایجاد و سرمایه‌گذاری جدید بوده است. به عبارتی بخش نیازمند تامین مالی برای سرمایه در گردش بوده و توسعه سرمایه‌گذاری کمتر بوده است. از سوی دیگر اطلاعات نشا می‌دهد که در حدود ۶/۷ درصد تسهیلات پرداختی مجموع بخشهای اقتصادی مربوط به بخش کشاورزی است که نشان از سهم پایین بخش کشاورزی دارد. با توجه به محدودیت منابع مالی داخلی کشور بعید به نظر می‌رسد سهم بخش کشاورزی از تسهیلات پرداختی افزایش چشمگیری داشته به طوری که بتواند هم نیاز سرمایه در گردش بخش کشاورزی را تامین کرده و هم به توسعه کمی و کیفی سرمایه‌گذاری‌های موجود و جدید در راستای اهداف توسعه پایدار بخش کمک نماید. این واقعیت موجود هم تأکیدی دیگر بر ضرورت توجه به سرمایه‌گذاری خارجی است.

جدول ۴: تسهیلات پرداختی به بخش کشاورزی و هدف از دریافت طی ۱۲ ماهه سال ۱۴۰۰ (میلیارد ریال / درصد)

هدف از دریافت	مبلغ	سهم از کل بخش کشاورزی	سهم از کل بخش‌ها
ایجاد	۳۸۳۱۲۸	۱۹/۳	۱۱,۰
تامین سرمایه در گردش	۱۳۸۰۹۷۵	۶۹/۴	۷,۱
تعمیر	۶۸۷۴	۰/۳	۱,۱
توسعه	۱۳۳۴۳۷	۶/۷	۵,۴
خرید کالای شخصی	۲۳۹۶۹	۱/۲	۱,۱
خرید مسکن	۲۷۴۰	۰/۱	۰,۶
سایر	۵۸۶۶۵	۲/۹	۵,۱
جمع	۱۹۸۹۷۸۷	۱۰۰/۰	۶,۷

ماخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران. از سامانه سمات براساس اطلاعات ارسالی بانک‌ها استخراج شده و برگرفته از طبقه بندی ISIC است.

۵- دستیابی به اهداف توسعه برنامه ششم بخش کشاورزی

در برنامه ششم توسعه دولت موظف است برای حصول اهداف بندهای ششم و هفتم سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی در جهت تأمین امنیت غذایی و نیل به خودکفایی در محصولات اساسی زراعی، دامی و آبرزی به میزان نود و پنج درصد (۹۵٪) در پایان اجرای قانون برنامه و افزایش تولیدات کشاورزی به‌ویژه محصولات دارای مزیت صادراتی، رسیدن به تراز تجاری مثبت، تقویت و تکمیل زنجیره‌های تولید و توسعه صادرات و ارتقای بهره‌وری آب و خاک کشاورزی اقدام نماید. همان‌طور که جدول شماره ۵ نشان می‌دهد متوسط رشد سالانه ارزش افزوده بخش کشاورزی ۸ درصد، اشتغال ۳/۹ درصد، رشد بهره‌وری سالانه

۳/۲ درصد و سرمایه‌گذاری ۲۰/۳ درصد است. با توجه به روند کاهشی سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی انتظار افزایش این نرخ سرمایه‌گذاری به منظور دستیابی به رشد ارزش افزوده، اشتغال و بهره‌روی از منابع داخلی امکان‌پذیری کمی داشته و ضرورت توجه به سرمایه‌گذاری خارجی در بخش کشاورزی را دوچندان می‌سازد. در برنامه ششم توسعه یکی از منابع تامین مالی سرمایه‌گذاری خارجی است (جدول شماره ۶) که از این فرصت پیش رو بخش کشاورزی می‌تواند در جهت دستیابی به اهداف توسعه بخش بهره‌گیرد. در بخش کشاورزی و مناطق روستایی عوامل گوناگونی بر توسعه ناکافی تولید و اشتغال تاثیرگذار بوده و رفع و تعدیل و کاهش این مشکلات به تنهایی از طریق منابع داخلی امکان‌پذیر نبوده و نیازمند جذب سرمایه‌گذاری خارجی است. بخش کشاورزی و روستایی کشور ما با مشکلات و تنگناهای عدیده‌ای روبرو است که به کرات از دیدگاه مسوولین و کارشناسان و محققان مطرح شده است که به عنوان نمونه می‌توان به مشکلات مربوط به آب، خاک، تخریب جنگلها، تغییرات اقلیم، عدم شفافیت بازار، نوسانات قیمت محصولات و نهاده‌ها و عدم تضمین سود متعارف برای تولید کننده، پایین بودن بهره‌وری محصولات و عوامل تولید، نبود زنجیره‌های ارزش و عرضه محصولات، انحصار در واردات و رانت های بیشمار، قاچاق، نبود الگوهای مدیریت بهینه در ساختار دولتی، مشارکت کم و پایین ذینفعان با هم و در تصمیم سازیهای دولتی، وجود ضایعات در فرآیند قبل از تولید تا سفره، نبود الگوی کشت بهینه در هر منطقه و روستا، توجه ناکافی به تغییر و تحول در الگوی مصرف خانوار، خرد بودن اراضی و اقتصادی نبودن اندازه بهره‌برداریها، ضعف مدیریت دانش و اطلاعات، کارآمدی پایین تشکلهای غیر دولتی و خصوصی در حضور قدرتمند در عرصه‌های مختلف تولید، بازار و تجارت و خدمات مرتبط، وجود فضای ناامنی و نااطمینانی برای ورود سرمایه گذاران در فعالیتهای بخش کشاورزی و وجود ریسک های زیاد، حضور ناکافی در بازارهای جهانی و از دست دادن مزیت رقابتی، نبود نظام تامین مالی بهینه برای کشاورزان و روستائیان (برحسب اندازه و مقیاس، عملکرد و درآمد و سود و نوع محصول سایر متغیرهای اقتصادی و اجتماعی الگوهای تامین مالی متفاوتی برای هر گروه در نظر گرفته شود)، ناکافی بودن ترویج و تحقیق و آموزش‌های کاربردی، ناکافی بودن نظام تامین اجتماعی (بازنشستگی و درمان و بهداشت) و رفاه کشاورزان و روستائیان، ناکافی بودن زیرساختهای اقتصادی و اجتماعی و خدمات عمومی و تخصصی و بسیاری از مشکلات و محدودیت‌های دیگر اشاره نمود. مدیریت تمامی این مشکلات و ساماندهی آن در طول یک برنامه پنجساله امکان پذیر نبوده و برای قرار گرفتن در ریل توسعه پایدار کشاورزی متناسب با رشد سایر کشورهای جهان، توجه به تامین مالی خارجی را تقویت می‌نماید.

جدول شماره (۵): تصویر متغیرهای اقتصادی بخش‌های اقتصادی در دوره برنامه ششم (درصد)										
شاخص‌ها	کشاورزی	نفت	معدن	صنعت و معدن ۲۶/۱	آب و برق و گاز	ساختمان	حمل و نقل و انبارداری	ارتباطات	سایر خدمات	جمع
متوسط رشد سالانه ارزش افزوده (درصد)	۸/۰	۷/۰	۸/۸	۹/۳	۹/۰	۷/۵	۸/۳	۱۹/۴	۵/۸	۸/۰
متوسط رشد سالانه اشتغال (درصد)	۳/۹	۲/۱	۴/۶	۳/۴	۶/۶	۳/۷	۵/۰	۹/۵	۴/۳	۳/۹
متوسط رشد سالانه سرمایه‌گذاری (درصد)	۲۰/۳	۳۹/۵			۳۰/۲	۲۶/۵	۲۲/۶	۵۱/۸	۱۸/۱	۲۱/۵
متوسط رشد سالانه بهره‌وری کل عوامل تولید (درصد)	۳/۲	۱/۸	۲/۴	۲/۰	۲/۰	۲/۸	۲/۱	۶/۵	۰/۸	۲/۸

ماخذ: قانون برنامه ششم توسعه

جدول شماره (۶): منابع مالی سالانه سرمایه‌گذاری برنامه ششم به تفکیک روش‌های مختلف تأمین - هزار میلیارد ریال					
سهم در برنامه ششم (درصد)	متوسط	۱۴۰۰	۱۳۹۶	۱۳۹۵	
	برنامه				
۱۲/۹	۹۹۶	۱۴۷۰	۶۲۷	۵۷۵	تملك داراییهای سرمایه‌ای
۲۴/۷	۱۹۰۰	۲۵۷۵	۱۴۳۰	۱۲۰۲	تسهیلات بانکی برای سرمایه‌گذاری
۹/۳	۷۱۴	۹۲۸	۳۷۹/۵	۳۶۲	صندوق توسعه ملی
۱۲/۴	۹۵۶	۱۴۸۱	۴۸۸	۴۰۰	بازار سرمایه
۱۲/۴	۹۵۷	۱۲۳۱	۷۱۲	۶۰۳	شرکتها و موسسات دولتی و نهادهای عمومی غیردولتی
۳/۰	۲۲۸	۳۰۹	۱۷۱	۱۴۴	آورده اشخاص
۲۵/۳	۱۹۵۵	۱۵۷۵	۲۹۹	۶۲/۵	تأمین مالی و سرمایه‌گذاری خارجی
۱۰۰	۷۷۰۶	۹۵۶۹	۴۱۰۸	۳۳۴۹	کل منابع تأمین مالی برنامه ششم

ماخذ: قانون برنامه ششم توسعه

۶- توصیه‌ها و برنامه پیشنهادی برای تسهیل و تسریع مدیریت سرمایه‌گذاری خارجی در بخش کشاورزی

ارتقا و توسعه سرمایه‌گذاری خارجی در بخش کشاورزی نیازمند برنامه جدید با رویکرد بسترسازی، هدایت، نظارت و ارزیابی سرمایه‌گذاری خارجی است تا هدفمند بتوان به اهداف مشخص در راستای توسعه پایدار بخش کشاورزی گام برداشت. از این رو برنامه پیشنهادی ارائه شده تا با نقد و ارزیابی آن توسط مدیران و کارشناسان مرتبط، برنامه نهایی برای اقدام و عمل ارائه شود.

توسعه بخش کشاورزی و بهبود بهره‌وری آن در گرو تحول اساسی در نحوه و نگرش حاکم بر مدیریت این بخش بوده و از سوی دیگر نیازمند ورود سرمایه برای به‌کارگیری در سه نوع فناوری سنتی بخش کشاورزی (فناوری بیولوژیک به‌خصوص بذرونهال و فناوری شیمیایی و مکانیکی به‌خصوص ماشین‌آلات کشاورزی) و بکارگیری تکنولوژی دیجیتال در بخش کشاورزی به‌خصوص فناوری‌های هوش مصنوعی می‌باشد. ورود سرمایه و سرمایه‌گذار خارجی مزایای فراوانی برای توسعه بخش کشاورزی ایران دارد. می‌توان این مزایا را به شرح زیر برشمرد:

(۱) ورود سرمایه همچون خونی جدید در شریان فرسوده بخش کشاورزی باعث ارتقای ارزش سرمایه این بخش و رونق فعالیت‌های کشاورزی و بهبود اشتغال در آن خواهد شد.

(۲) بهره‌وری پایین بخش کشاورزی یکی از معضلات ملی است و تاکنون قانون ارتقای بهره‌وری بخش کشاورزی نیز نتوانسته تأثیرمعناداری بر بهبود نرخ بهره‌وری داشته باشد.

(۳) تجربه نشان داده است که شریک خارجی با ورود خود عنصر مدیریت و بهره‌وری در مدیریت منابع و سرمایه را نیز وارد میکند البته نقش نظارتی دولت برای اعمال مکانیسم عادلانه مشارکت خود با شریک ایرانی به بخش کشاورزی در این میان نقش ضروری دارد.

(۴) ورود سرمایه جدید عملاً باعث تسهیل به‌کارگیری و ورود انواع فناوری نوین در بخش کشاورزی خواهد شد، به‌نحوی که بتوان با سرعت و گستردگی بیشتر بذور اصلاح‌شده را وارد کشور کرد و ناوگان ماشین‌آلات کشاورزی را که از فرسودگی مفرط رنج می‌برد بازسازی کرد. با عنایت به بحران کمبود منابع آب و خطرات فرسایش کیفی خاک،

ضرورت افزایش بهره‌وری آب و خاک از طریق سرمایه‌گذاری جدید یک ضرورت ملی است که بدون سرمایه‌گذاری جدید و از منابع خارجی میسر نخواهد شد.

۵) سرمایه‌گذار خارجی می‌تواند نقش عمده‌ای در بازاررسانی و بازاریابی محصولات کشاورزی ایران در بازار جهانی داشته باشد. قراردادهای سرمایه‌گذاری را می‌توان به‌نحوی تنظیم کرد که طرف خارجی بتواند بخش عمده‌ای از سرمایه خود را به‌صورت محصولات کشاورزی دریافت کند. روند دو، سه سال گذشته به‌خصوص دوران پس از تفاهم هسته‌ای و کم‌شدن شدت تحریم‌ها کماکان نشان‌دهنده سهم مناسبی از جذب سرمایه خارجی در بخش کشاورزی نیست. حصول به سهم بالایی از سرمایه خارجی در بخش کشاورزی نیازمند پیش‌شرط‌هایی به شرح زیر است:

- به‌دلیل سنتی بودن بخش کشاورزی و آشنایی محدود مدیران و فعالان بخش دولتی و غیردولتی نسبت به قوانین و معادلات سرمایه‌گذاری خارجی در این بخش، لازم است نهادی قوی و فعال از ابعاد فنی، مالی، حقوقی و تجاری در شیوه‌های جذب سرمایه خارجی و دعوت از سرمایه‌گذاران بین‌المللی تأسیس شود تا راه‌ها و روش‌های مربوطه بررسی و اقدامات لازم با همکاری دولت و بخش خصوصی و اتاق‌های بازرگانی اتخاذ شود.
- لازم است بسیاری از قوانین و مقررات هدایت و جذب سرمایه خارجی در بخش کشاورزی اصلاح شود تا موانع، ریسک و خطرات سرمایه‌گذاری در این بخش کاهش یابد. با توجه به ریسک‌های خطرات طبیعی و تنش‌های بازار در بخش کشاورزی لازم است تضامین دولتی برای کاهش ریسک سرمایه‌گذار خارجی در بخش کشاورزی پیش‌بینی شود.

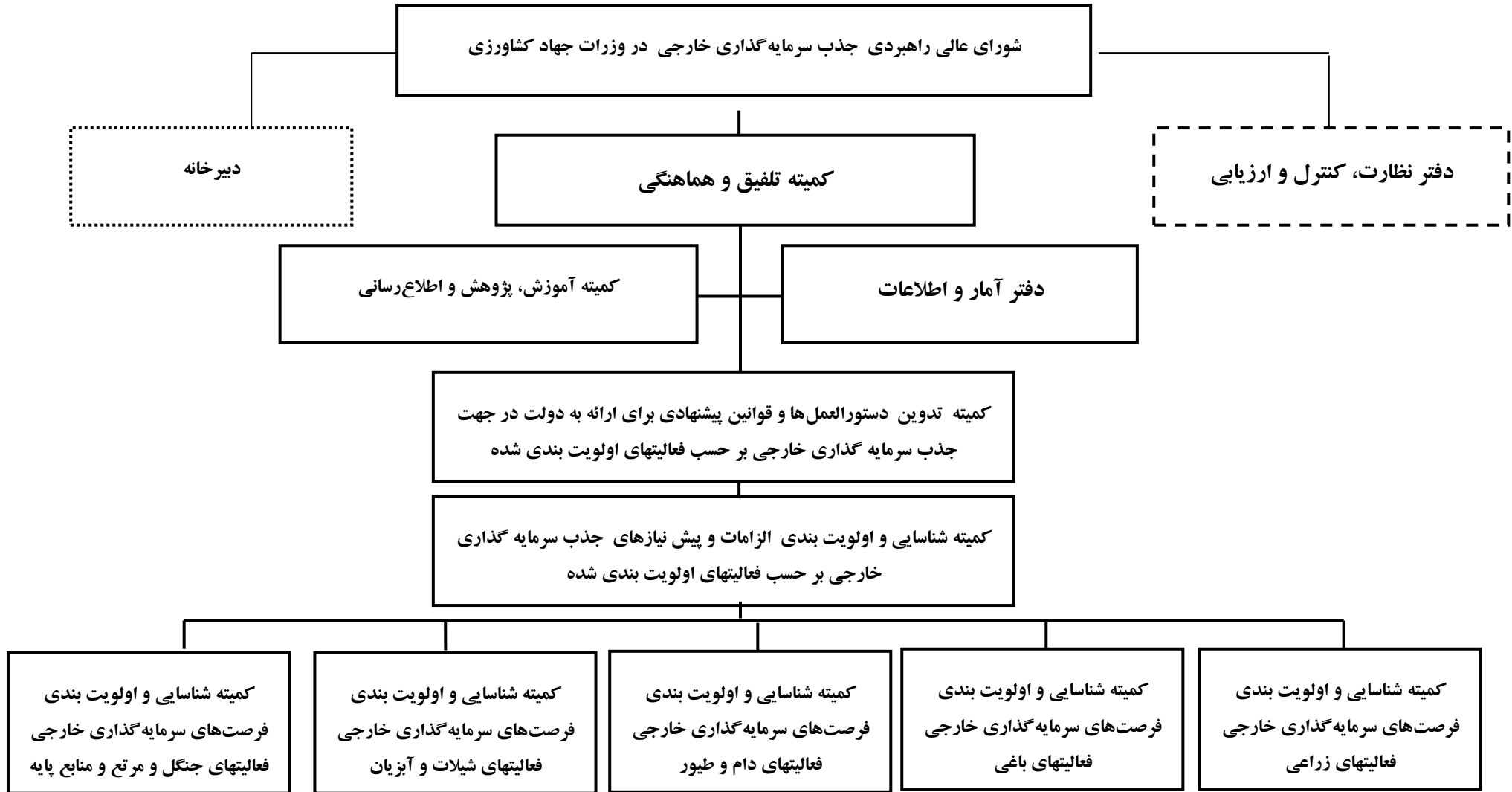
- آموزش فعالان بخش خصوصی و توانمندسازی تعاونی‌ها و شرکت‌های کشاورزی برای آشنایی با روش‌های مشارکت با سرمایه‌گذار خارجی، از طریق ارائه مشاوره و سفرهای دوجانبه و روبه‌روکردن آنها با سرمایه‌گذاران بین‌المللی از یک‌سو و آموزش آنها نسبت به قواعد و قوانین جهانی از سوی دیگر.

- برگزاری همایش و نمایشگاه‌های ادواری و همچنین تورهای تخصصی به‌منظور توسعه سرمایه‌گذاری از طریق آشنایی سرمایه‌گذاران با قابلیت‌های بخش کشاورزی و مزیت‌های مطلق و نسبی برخی از محصولات کشاورزی در ایران می‌تواند با هزینه‌های دولت و تشکل‌ها و اتاق بازرگانی، صنعت و کشاورزی پیگیری شود.

- بازسازی ناوگان ماشین‌آلات بخش کشاورزی و برقی کردن چاه‌های آب کشاورزی از اقداماتی است که نه تنها باعث بهبود راندمان فعالیت‌های کشاورزی و ماشین‌آلات می‌شود، بلکه باعث کاهش چشمگیر مصرف سوخت خواهد شد. بدیهی است از محل این صرفه‌جویی که بالغ بر سه میلیارد دلار خواهد بود، می‌توان با حمایت وزارت نفت، شرکت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی را از طریق تضمین سرمایه‌گذاری و بازپرداخت به سرمایه‌گذاری در مکانیزاسیون کشاورزی ترغیب کرد.

اما اولین اولویت ایجاد نهاد و سازمان تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در بالاترین سطح سازمانی وزارت میباید که بتواند امر زمینه‌یابی جذب سرمایه‌گذاری خارجی را در بخش کشاورزی ایران شناسایی و اولویت بندی نموده و با توجه به توانمندی‌های بین‌المللی نسبت به جذب آن زمینه‌سازی‌های مربوطه را پیش‌بینی نماید.

نمودار پیشنهادی سازمان اجرایی مدیریت سرمایه‌گذاری خارجی در وزارت جهاد کشاورزی



شورای عالی راهبردی جذب سرمایه گذاری خارجی

وزارت جهاد کشاورزی

اعضا:

- ۱- معاون برنامه‌ریزی و اقتصادی
- ۲- قائم مقام وزیر در امور بازرگانی و صنایع
- ۳- معاون امور زراعت
- ۴- معاون امور باغبانی
- ۵- معاون امور تولیدات دامی
- ۶- معاون آب و خاک و صنایع
- ۷- معاون وزیر (رییس سازمان شیلات)
- ۸- معاون وزیر و رییس سازمان تحقیقات و آموزش کشاورزی
- ۹- رییس سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور
- ۱۰- شرکت مادر تخصصی صندوق حمایت از توسعه سرمایه‌گذاری
- ۱۱- دفتر امور بین‌الملل و سازمان‌های تخصصی
- ۱۲- رییس موسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی
- ۱۳- شش نفر از اساتید دانشگاهی و محققان متخصص و مرتبط به موضوع
- ۱۴- اعضای مدعو بر حسب دستور جلسه

شرح وظایف شورای عالی راهبردی

- ۱- سیاست‌گذاری توسعه و ارتقای سرمایه‌گذاری خارجی برای بخش کشاورزی
- ۲- سیاست‌گذاری برای متنوع‌سازی حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی بر حسب فعالیت
- ۳- سیاست‌گذاری برای اصلاح و تدوین قوانین و مقررات مناسب برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی
- ۴- سیاست‌گذاری برای توسعه ظرفیت کارشناسی در بخش کشاورزی (دولتی و غیردولتی)
- ۵- طراحی موضوعات پژوهشی و مطالعاتی مرتبط
- ۶- طراحی بانک اطلاعاتی مناسب برای فرستهای سرمایه‌گذاری، کنترل، نظارت و ارزیابی

منابع مورد استفاده :

- ۱) احمدپور برازجانی م. و س. م. ر. حسینی پور. ۱۳۸۶. عوامل موثر بر تقاضای اعتبارات در سیستان. فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه. ۵۸: ۹۱-۱۱۰.
- ۲) امینی، علیرضا و حجازی آزاد، زهره. ۱۳۸۷، تحلیل نقش سرمایه انسانی و تحقیق و توسعه در ارتقای بهره‌وری کل عوامل (TFP) در اقتصاد ایران، فصلنامه پژوهش‌های اقتصاد ایران، شماره ۳۵، صفحات ۳۰-۱.
- ۳) بانک مرکزی ایران، گزارش اقتصادی و ترازنامه، سالهای ۱۳۹۱ تا ۹۳
- ۴) جهان دوست، ر. ۱۳۷۵. بحثی پیرامون ضرورت تشکیل صندوق اعتبارات روستائی. جهاد. ۱۶: ۷۵-۸۰.
- ۵) حیدری، پروین و افشاری، زهرا. ۱۳۹۱، عوامل اقتصادی و اجتماعی مؤثر بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی با تاکید بر شاخص‌های حکمرانی در دوره زمانی ۲۰۰۷-۱۹۹۶، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، سال دوازدهم، شماره اول، صفحات ۱۷۰-۱۴۱
- ۶) خزاعی، ع. ۱۳۷۹. تضعیف جایگاه بانک کشاورزی در اعتبارات روستائی و چگونگی ایجاد صندوق مشارکت زنان. جهاد. ۳۰: ۷۱-۶۶.
- ۷) رحیمی، ع. ۱۳۷۵. ضرورت توجه به نظام اعتبارات خرد روستائی. جهاد. ۲۱۶: ۳۵-۴۰.
- ۸) طیبی، کمیل و بابکی روح اله. ۱۳۸۷، نقش باز بودن اقتصاد در درجه تأثیرگذاری سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) بر صادرات کشورهای آسیایی و اقیانوسیه: درسی برای اقتصاد ایران، فصلنامه پژوهش‌نامه بازرگانی، شماره ۴۸، صفحات ۶۸-۳۹.
- ۹) قانون برنامه ششم توسعه
- ۱۰) عرب مازار، ع. و ر. خدارحمی. ۱۳۷۸. ویژگی‌های عمده بازار مالی روستائی. فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه. ۲۶: ۵۹-۴۳.
- ۱۱) عمادی، محمد حسین. ۱۳۹۵. سرمایه‌گذاری خارجی برای توسعه کشاورزی، روزنامه شرق، شماره ۲۷۳۳-۲۹ آبانماه ۱۳۹۵.
- ۱۲) قربانی، م. ۱۳۷۶. کارائی اعطای وام به کشاورزان: هزینه‌های پنهان وام. جهاد. ۲۰۲: ۵۶-۵۰.
- ۱۳) میر، س. ج.، ا. اکبری و م. هاشمی تبار. ۱۳۸۳. بررسی عوامل موثر بر دسترسی به اعتبارات کشاورزی و نقش آن در تولید: مطالعه موردی استان سیستان و بلوچستان. فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه. ۴۸: ۶۷-۲۵.

۱۴) Alston et al, ۲۰۰۰, M.C. Marra, P.G. Pardey, and T.J. Wyatt. ۲۰۰۰. "Research Returns Redux: A Metaanalysis of the Returns to Agricultural R&D, The Australian Journal of Agricultural and Resource Economics, ۴۴(۲): ۱۸۵-۲۱۵.

۱۵) Anseuw, W., L. Alden Wily, L. Cotula and M. Taylor (۲۰۱۲), "Land Rights and the Rush for Land: Findings of the Global Commercial Pressures on Land Research Project". ILC, Rome.

۱۶) FAO(۲۰۱۳), Trends and impacts of oreign investment in developind country agriculture.

۱۷) FAO(۲۰۱۶), Impact of foreign investment on developing countries:Evidence from case study, Working Paper No. ۴۷

۱۸) Msuya, Elibariki, ۲۰۰۷. "The Impact of Foreign Direct Investment on Agricultural Productivity and Poverty Reduction in Tanzania," MPRA Paper ۳۶۷۱, University Library of Munich, Germany.

۱۹) Moosa, I.A. (۲۰۰۲) Foreign Direct Investment: Theory, Evidence and Practice , London: Palgrave.

۲۰) <http://www.invest.gov.tr/en-US/investmentguide/investorsguide/Pages/FDIinTurkey.aspx>

۲۱) <http://www.cbi.ir>

۲۲) [http:// www.investiniran.ir](http://www.investiniran.ir)

۲۳) [http:// www.unctad.org](http://www.unctad.org)

۱) محمد حسین عمادی، دکتری سیستم‌های کشاورزی ، نماینده دائم و سفیر سابق ایران در سازمان خوار و بار جهانی

FAO

۲) فاطمه پاسبان، دکتری علوم اقتصادی و عضو هیات علمی مرکز تحقیقات و آموزش کشاورزی و منابع طبیعی استان

خراسان رضوی